

## خصله‌های مهم ۱۶ آذر در خشان امسال!

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

## امواج انسانی بزرگ و زیبا در خیزش توده‌ای عراق

صفحه ۵

فاتح شیخ

## اعتصاب میلیونی در فرانسه

### سرود انترناسیونال و شبیح مارکس در خیابان‌ها!

صفحه ۶

آذر ماجدی

## در باره قطعنامه اوضاع سیاسی

مصوب کنگره نهم حزب

صفحه ۷

گفتگو با جمال کمانگر و سیاوش دانشور

## اعلاصیه‌های حزب در باره ۱۶ آذر

## سرمایه داری یا نئولیبرالیسم

صفحه ۱۴

آذر ماجدی

## خاوران، نمونه هالوکاست اسلامی

## هیچ جنایتی بی پاسخ نمی ماند!

صفحه ۱۶

پردل زارع

۵۲۱

# مستقلی، کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۲ آذر ۱۳۹۸ - ۱۳ دسامبر ۲۰۱۹

پیام حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

## به خانواده‌های

## جانباختگان آبانماه

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست دست تک تک شما عزیزان را به گرمی می فشارد و صمیمانه به شما تسلیت می‌گوید. شما عزیزی را در نبرد با جمهوری جنایتکار اسلامی از دست دادید و جامعه یک شهروند آزادیخواه، شریف و انقلابی. این انسان‌های شریف علیه ظلم و ستم یک نظام سر تا پا دزد و جنایتکار جان خود را بر کف نهادند و برای به زیر کشیدن آن پا در یک جنگ نابرابر گذاشتند. صدها انسان انقلابی، صدها جوان عاصی از فقر و فلاکت، سرکوب و اختناق، تا پای جان با این دزدان سر گردنه و جانپان بالفطره جنگیدند. پادشان گرمی باد!

شما در این روزهای سخت و دردناک تنها نیستید. تمام جامعه را در کنار خود دارید. در این شرایط پر تلاطم و انقلابی که مردم بپا خاسته‌اند تا رژیم اسلامی را سرنگون کنند، درد تک تک شما به درد مشترک همه ما بدل شده است. می‌کوشیم تا این درد مشترک را به خشمی خروشان، به عزمی انقلابی و به رزمی سرنوشت ساز علیه این نظام ننگ و جنایت بدل کنیم. تنها با مبارزه مصمم، متحد و سازمانیافته است که می‌توانیم

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## پیام حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

## به خانواده‌های جانبازان آبانماه ...

دردمان را التیام دهیم. عدالت طلبی بهترین راه مقابله با این غم و درد عظیم است. زمانی که این رژیم را به زیر کشیم و تکتک این جانپان را بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه کنیم؛ زمانی که طعم شیرین عدالت را مزه کنیم؛ زمانی که دنیایی بسازیم عاری از ستم و سرکوب، فقر و فلاکت، تبعیض و نابرابری، تنها در این زمان خواهیم توانست به یک آرامش دست یابیم و با غم و اندوه از دست دادن جگرگوشه گانمان مقابله کنیم.

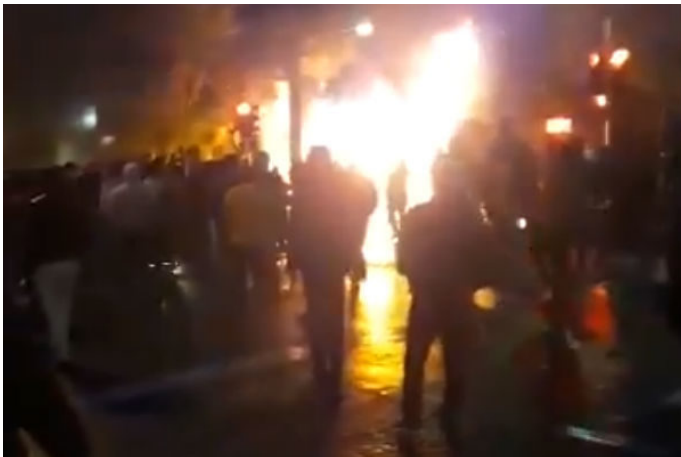
غم از دست دادن فرزند، همسر، خواهر و برادر، غم از دست دادن یک عزیز و دل‌بند بزرگترین غم زندگی است. چنین دردی را نمی‌توان به فراموشی سپرد؛ نمی‌توان در قلب و مغز مدفون کرد؛ باید چشم در چشم آن بنگریم و برای التیام فریاد زنیم؛ در شرایطی که دردمان مشترک و همگانی است، فریادمان نیز باید مشترک و همگانی باشد. فریاد: "مرگ بر جمهوری اسلامی" فریادی است که به التیام دردمان یاری می‌رساند.

باید به این بباندیشیم که رژیم اسلامی نه در فراز قدرت، بلکه در نشیب سرنوشتی است؛ باید به این فکر کنیم که این یورش وحشیانه نه از قدرتمندی که از ذلت و زاری است؛ باید بیاد داشته باشیم که این حملات از ریشه مرگ است که تمام وجود این نظام را دربر گرفته است. جمهوری اسلامی در واپسین روزهای حیاتش است. خود می‌داند، ما می‌دانیم و تمام دنیا می‌داند که روزهای آن انگشت شمار است. پس بیاییم با استحکام و استقامت، متحد و همبسته، این روزهای واپسین را برایش تلخ تر و ترسناک تر سازیم. بیاییم با مشت‌های گره کرده و عزمی راسخ، در کنار هم و دست در دست هم، این رژیم را به زیر کشیم و درهای زندانی به وسعت یک جامعه هشتاد میلیونی را بگشاییم.

## مردم آزادیخواه!

کشتار آبانماه اولین حمام خون این رژیم نیست و اگر اجازه دهیم آخرین هم نخواهد بود. آبانماه جامعه را دگرگون کرد؛ ترس‌های باقیمانده را خشکاند؛ نفرت‌های انباشته را لبریز کرد؛ خشم فروخته را همچون آتشفشانی خروشان کرد. صدها انسان، صدها جوان و نوجوان بدست این رژیم آدمکش بخاک افتادند. باید نشان دهیم که آنها بیهوده در خون خویش نغلتیدند. باید انتقام این انسان‌های شریف و آزادیخواه را از جلادان حاکم بگیریم. مبارزه برای سرنوشتی این رژیم را باید صد چندان متحدتر و سازمانیافته‌تر سازیم.

باید خانواده این عزیزان را در آغوش بگیریم؛ باید نشان دهیم که آنها تنها نیستند و همه ما در دردشان شریکیم؛ تنهایشان نگذاریم؛ به دیدارشان بشتابیم؛ در سوگواریشان شرکت کنیم و سوگواری را به یک صحنه پر شور از مقاومت و مبارزه بدل کنیم. باید نشان دهیم که اکنون زمان "عزاداری عمومی" نیست. باید اعلام کنیم که بهترین روش سوگواری برای این عزیزان جانبازانه ادامه راه شان است؛ تحقق هدف و



آرمانشان است. مبارزه برای دستیابی به هدف این عزیزان بهترین شکل گرامیداشت آنهاست.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست با تمام قوا در این گرامیداشت سهیم و شریک است. قلب ما با شما می‌تپد. در دردتان ما را سهیم بدانید. هدف و آرمان‌مان مشترک است و باهم و دست در دست هم برای آن خواهیم جنگید. باهم این رژیم را به زیر می‌کشیم و تمام این جانپان را بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه خواهیم کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست  
۲۰ آذر ۱۳۹۸ - ۱۱ دسامبر ۲۰۱۹

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را

همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و

محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!

مرگ بر جمهوری اسلامی!



## خصلتهای مهم ۱۶ آذر در خشان امسال!

رحمان حسین زاده

طبیعی بود که در روز ۱۶ آذر امسال نسل جوان و دانشجویان همانند بسیاری از سالهای قبل تحریک مبارزاتی جدی از خود نشان دهند، اما خیلیها تصور نمیکردند در این ابعاد گسترده و با این رادیکالیسم بالا و چپگرایی اعتراضات در خشان امسال دانشجویان اتفاق بیفتد. چرا؟ چون فاکتور قتل عام و دستگیریها و زخمی های وسیع سرکوبگریهای رژیم جنایت پیشه در خیزش آبانماه توسط جمهوری اسلامی این تردید را به وجود آورده بود، که آیا امکان تحریک گسترده اعتراضی در روز دانشجویان امسال است؟ دانشجویان آزادیخواه و چپ الهام بخش اعتراضات امسال، این واقعه را ممکن کردند. فرزندان کارگران و مردم با رزم سرخ و متحدانه خود، به "اشرار" نامیدن توده کارگر و مردم معترض، به لاف زنی اسلامی "دیه پردازی و رافت اسلامی" از جانب خامنه ای، به قتل عام و بازداشتهای انبوه و زندان و شکنجه، به قتل عام ماهشهر، به لفاظی های جنایتکارانه چون روحانی و شمخانی و خاتمی و ... به تهدیدات جانین سپاه و بسیجی، پاسخ محکم گفتند. نسل جوان جسور و پرشور در دانشگاهها رزمندگی و پتانسل اعتراضی بالای نبردهای قهرمانانه آبانماه ۹۸ را تداوم بخشیده و نمایندگی کردند. وجه سرکوبگری خشن جمهوری اسلامی را به هیچ گرفتند و در بسیاری از دانشگاههای اصلی کشور، همگام و همزمان و همزمان با سخنرانیها و شعارهای رادیکال شانزده آذر سرخ امسال را به صحنه آوردند. به این ترتیب پیام اصلی ۱۶ آذر امسال این بود، جنبش اعتراضی رادیکال علیه جمهوری اسلامی و در راستای برچیدن این نظام آگاهتر و سازمانیافته تر ادامه دارد. جنبش توده ای دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و اعتراضات گسترده روز دانشجو تا دفن جمهوری اسلامی و تامین آزادی و برابری و رفاه و اداره شورایی ادامه دارد.

### خصلتهای برجسته جنبش اعتراضی ۱۶ آذر ۹۸

**الف- عزم و اراده انقلابی:** این خصلت مهم تحریک اعتراضی امسال دانشگاهها بود. جمهوری اسلامی با اتکا به قتل عام و زخمیها و بازداشتهای وسیع آبانماه و با تهدید و اعمال فشار علیه فعالین دانشجویی قبل از ۱۶ آذر، میخواست عزم و اراده برای برگزاری اجتماعات اعتراضی در روز دانشجو را سد کند. کورخواندند. اراده انقلابی در میان دانشجویان و دانشگاهها را دست کم گرفته بودند. مبارزات رادیکال و اجتماعی در کشورهای استبداد زده و اختناق زده و تحت حاکمیت دولتهای جانی و سرکوبگر، به اراده و فداکاری و خلاف جریان عمل کردن، به نقش فعاله نیروی چپ و آزادیخواه نیاز دارد. اتفاقاً روز دانشجو مظهر این اراده خلاف جریانی و جسورانه در طول تاریخ سیاسی خود از ۶۶ سال قبل تاکنون به ویژه از جانب دانشجویان چپ و کمونیست بوده است. دوازده سال قبل دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب پرچم این اراده انقلابی و سرخ را برافراشتند و نمایندگی کردند و در تاریخ مبارزات رادیکال جامعه ثبت شد. امسال دانشجویان آزادیخواه و چپ بار دیگر با عزم و اراده انقلابی نقطه عطف دیگری در مبارزات سیاسی و دانشجویی ایجاد کردند. بدون

جسارت و اراده انقلابی دانشجویان آزادیخواه و سوسیالیست، برپایی زنجیره اعتراضات دانشجویی امسال و در این ابعاد ممکن نبود. قدر این اراده انقلابی را باید دانست.

**ب- گستردگی تحریک اعتراضی:** اجتماعات اعتراضی امسال دانشجویان گسترده و ابعاد سراسر کشوری را داشت. این خصلت آنجا اهمیت بیشتری پیدا میکند، که همگامی و همزمانی بالایی در اعتراضات سراسری امسال دانشجویان برجسته بود. شعارها و بنرها و بیانیه های مشابه و مشترک و بعضاً فرمت مشابه آکسیونهای برگزار شده، نشانه همبستگی جدی در مبارزات دانشجویی و آزادیخواهانه است. بیشک این گستردگی و همبستگی سراسری حاصل ارتباطات موجود بین فعالین دانشجویی چپ و سوسیالیست در دانشگاهها است. این دستاورد مهمی است. سروسامان گرفتن شبکه به هم مرتبط رهبران و فعالین آگاه و سوسیالیست و رزمنده در مبارزات دانشجویی و یا در جنبش کارگری و دیگر جنبشهای رادیکال حلقه مهمی در تامین پیشروی جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه در تناسبات قوای فعلی است و برای تحکیم آن باید کوشید.

**ج- چپ گرایی و رادیکالیسم بالا:** یک نگاه اولیه به بنرها و شعارها و مضمون سخنرانیها و بیانیه های منتشر شده در مناسبت ۱۶ آذر امسال، چپ گرایی و رادیکالیسم بالای موجود در جنبش دانشجویی را به خوبی منعکس میکند. اعتراضات دانشجویی که اعلام میکند، "آزادیخواهی و برابری طلبی، هویت" آنها است. علیه کاپیتالیسم ادعانه خود را مطرح میکند. کلیت جمهوری اسلامی را زیر ضرب میگیرد. آلترناتیو راست را افشا میکند. بر اداره شورایی جامعه تاکید میکند. در صف بندی جدال طبقاتی، خود را متحد کارگر اعلام میکند. حمایت از جنبش معلمان و زنان و محرومان جامعه را سرلوحه کار خود قرار میدهد. بی تردید این بخشی از جنبش آزادیخواهانه و سوسیالیستی است که بیش از پیش در عمق جامعه ریشه دوانده است. در ۱۶ آذر ۹۸ دانشجویان چپ و کمونیست، رادیکالیسم سوسیالیستی نهادینه شده در مبارزات دانشجویی ایران را یکبار دیگر تجسم بخشیدند.

**د- علیه کلیت جمهوری اسلامی:** آکسیونهای اعتراضی امسال دانشگاهها نه تنها به روشنی تجسم پراتیکی شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا"ی مطرح شده در دی ماه ۹۶ و با شفافیت علیه کلیت جمهوری اسلامی بود، از این سطح فراتر رفت دیگر گرایشهای بورژوازی و ارتجاعی در دانشگاهها را فرعی کرد. مهمتر از چهارچوب صرف "مبارزه ضد رژیم" فراتر رفت و کلیت نظم سرمایه و سرمایه داری و گرایشهای محافظ نظم استنمارگر کاپیتالیستی را به مصاف طلبید. این پیشروی مهم گرایش سوسیالیستی در دانشگاهها است. از همین موضع شعارهای رادیکال علیه اپوزیسیون راست و مهره های آن و از جمله "مجاهد و پهلوی" به درست مطرح شد و چپ پوپولیست را به هذیان گویی کشانده است. به این مساله در سرفصل جداگانه و

## خصلتهای مهم ۱۶ آذر

### در خشان امسال ...

پایین تر برمیگردم.

**ه- تاکید بر اتحاد و همبستگی با جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال:** سالهاست جنبش دانشجویی رادیکال، اتحاد و همبستگی با کارگران و معلمان و زنان و مردم آزادیخواه را به سنت جا افتاده تبدیل کرده است. امسال برجسته تر بر شعارهای "کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد" و "فرزند کارگرانیم، در کنارشان میمانیم" تاکید شد. از مبارزات معلمان و زنان و دیگر جنبشهای اعتراضی رادیکال حمایت شد. همسرنوشتی با خیزش اعتراضی آبانماه و گرامیداشت جانبختگان آن اعلام شد. به این ترتیب در صف بندی سیاسی جامعه جنبش رادیکال دانشجویی موقعیت خود را در قطب کارگری و چپ و آزادیخواه و سرنگونی طلب جامعه تحکیم کرد.

خصلتهای مبارزاتی بالا بی تردید، توان و ظرفیت جدیدی به جنبش رادیکال دانشجویی و کل مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه میبخشد. این دستاورد مهمی در بطن جدالهای سرنوشت ساز سیاسی مهم تحولات سیاسی ایران است.

#### رزم دانشجویان: دپرشن چپ پوپولست همه باهمی

بالاتر اشاره شد، دانشجویان در روز ۱۶ آذر صفحه درخشان دیگری از نبرد علیه جمهوری اسلامی را به صحنه کشیدند. سرکوبگریهای سبعانه جمهوری اسلامی را به هیچ گرفتند. پرچم مبارزاتی برافراشته آبانماه را تداوم بخشیدند. در این سطح باقی نماندند، با شعارهای خلاقانه تقابل ضروری با جریانات و مهره های راست را اعلام کردند. خود جریانات راست افشا شده در خود فرورفته و عکس العمل قابل توجهی نداشتند. در این میان اما چپ عاشق "همه باهمی" در جنبش سرنگونی همانند "شغل شریف" همه پوپولستها به مدافع دو آتشه جریانات راست مورد نقد و افشاگری دانشجویان تبدیل شده است.

رنجیده اند که چرا دانشجویان آزادیخواه و چپ "مجاهد و پهلوی" را دشمن آزادی نامیده اند؟! گویا اینها دشمن آزادی نیستند؟! این نوع چپ یا هنوز در دوره ماقبل انقلاب ۵۷ بسر میبرد، یا زیر فشار موج "جنبش سرنگونی همه با هم" به نگرش راست و پوپولستی "سرنگونی به هر قیمت" دوران ماقبل انقلاب ۵۷ برگشته است. چرا؟! چون بدیهی ترین درس بعد از انقلاب ۵۷ یعنی پایان دوران همه باهمی راست و چپ در جنبش سرنگونی، و حتی در جدالهای کوچک و بزرگ جاری در جامعه را یا هیچوقت نفهمیدند و یا امروز مصلحتی و اپورتونیستی به آن پشت کردند. علاوه بر این وجه از مساله، اما پوپولستیهای به شدت سطحی این دوران درک نمیکنند که دانشجویان آزادیخواه و چپ با این اقدام بسیار هوشیارانه خود، با کل تبلیغات دولتها و نیروهای بورژوازی و ارتجاعی در سطح جهان و منطقه مقابله میکنند که از خیزش بزرگ دی ماه ۹۶ تا آبانماه ۹۸ و اکنون در شانزدهم آذر میخواهند مبارزات رادیکال کارگران و دانشجویان و زنان و مردم معترض را به حساب جریانات راست و ارتجاعی

بنویسند. این را درک نمیکنند که دانشجویان با این ابتکار خود، تو دهن خامنه ای زدند، که مبارزات قهرمانانه مردم را عامدانه به پای جریانات رسوای "مجاهد و پهلوی" مینویسد. چپ راستگرای پوپولست نمیخواهد بفهمد به کمک مدیای بورژوازی نان به نرخ روز خور از "فاکس نیوز، سی ان ان و بی بی سی و صدای آمریکا و ایران انترنشنال و من و تو" تا روزنامه ها و مدیای اجتماعی و دیگر ابزارهای پروپاگاندا و ارونه سازی هجمه ای و هجومی آکنده از دروغ و جعل و ریا در جریان است که برای مبارزات آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه "رهبر تراشی و چهره سازی" کنند. همان کاری که با کمک بی بی سی در سال ۵۷ خمینی و اسلام کپک زده را "رهبر" کردند.

در این وضعیت و در مقابل این هجمه و هجوم ارتجاع، دانشجویان آزادیخواه و آگاه، طبیعی است، داد بزنند، شعار بدهند، بنر بنویسند و سخن بگویند که جریانات راست، دشمنان آزادی اند و با هیچ ترفندی نمی توانند به مبارزه انقلابی شان وصل شوند. چپ راستگرای پوپولست باید بداند، رابطه بین جنبشهای اجتماعی تحت سرکوب قرار گرفته در دوران سلطنت، به ویژه جنبش دانشجویی با سلطنت و خاندان پهلوی، همانند رابطه با اپوزیسیون نیست، بلکه از جنس رابطه با پوزیسیون است. رژیم سلطنت و خاندان پهلوی در راس سرکوب جنبش دانشجویی و دیگر جنبشهای اجتماعی بوده اند. روز ۱۶ آذر یادآور جنایتهای رژیم محمد رضا پهلوی است. وارثان این نظام استبدادی و ضد مردمی در مقابل آن جنایتها و کشتن سه جانبخته اولین ۱۶ آذر تاریخ سیاسی ایران باید پاسخگو باشند.

نقطه مقابل چپ راستگرای پوپولست، ما کمونیستهای کارگری و حکمتیست همراه و همگام تقابل آگاهانه دانشجویان با جریانات راست هستیم. به ابتکار آنها درود میفرستیم. همیشه تاکید کرده ایم در صحنه نبرد بی امان با جمهوری اسلامی تفاوت و تمایز و سد محکم در مقابل آلترناتیوهای راست را باید صیقل داد. ابتکار دانشجویان معنای سیاسی و عملی ایجاد سد محکم در مقابل اهداف و سیاستهای جریانات راست در امروز و فردای تحولات سیاسی ایران است. ما به استقبال تعمیق شکاف واقعی موجود در جدال سیاسی و طبقاتی جامعه و در جنبش سرنگونی هستیم. راست و چپ در جنبش سرنگونی و در مبارزات جاری اهداف و سیاست و تاکتیک، راه و روش و آلترناتیویشان تماما از هم منفک است. این واقعیت عینی و ملموس را در طول تاریخ، جریانات راست با شم طبقاتی بالا و به روشنی فهمیده و با ترفند فریبکارانه فعلا "همه با هم" و همیشه با اتکا به چپ بورژوازی و پوپولست نیروی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به زیر رهبری و پرچم خود کشیده اند.

این بار ما کمونیستهای کارگری درس گرفته از انقلاب ۵۷، همگام با جنبش خود آگاه کارگری و دانشجویی و زنان و مردم انقلابی تمایز و استقلال طبقاتی و سیاسی جنبش طبقه کارگر و آزادیخواهانه را در مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی و به سرانجام رساندن انقلاب کارگری و تحقق آزادی و برابری و رفاه تضمین میکنیم. ما به این خودآگاهی طبقاتی و کمونیستی پایبند و متعهدیم.

\*\*\*

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



## امواج انسانی بزرگ و زیبا در خیزش توده ای عراق

فاتح شیخ

عامری و نوری مالکی، عاملان عربیان و مستقیم رژیم اسلامی ایران، عنصری به نام محمد شیاعی السودانی را به عنوان کاندید ائتلاف خود به رئیس جمهور معرفی کرده اند. او ولو گمنام است ولی یکی از عناصر شناخته شده جریانات دنبالچه رژیم اسلامی ایران است و هیات حاکمه با جلو راندن او راه به جایی نخواهد برد.

دوشنبه شب یکی دیگر از همین عناصر شناخته شده، قیس الخزعلی سرکرده باند عصاب حشد شعبی، با هدف ترساندن معترضان صراحتاً برپایی تظاهرات سه شنبه را به قتل عام تهدید کرد. اما نه تهدید وحشیانه او به جایی رسید و نه ترور داعشیانه و ربودن فعالان که روزمره در جریان است توان ترساندن زنان و مردان و جوانان بپاخاسته عاشق آزادی و تشنه رهایی را دارد. دندان توحش نشان دادن آنها نه تنها باعث عقب راندن توده ها نشده بلکه روز به روز به گسترش بیسابقه اعتراضات توده ای دامن زده است.

رویارویی طبقاتی انقلابی در عراق بیگمان پا به روزهای حساس تازه ای گذاشته که نه تنها در راستای تعیین تکلیف با هیات حاکمه قومی مذهبی سراپا فاسد آن جامعه بحراندزده گام برمیدارد بلکه همزمان دارد به یک و نیم دهه سلطه جنایتکارانه رژیم اسلامی ایران بر عراق پایان میدهد. اکنون بیش از هر زمان آشکار است که سرنوشت جنبشهای اعتراضی توده ای در عراق و ایران به شدت درهم تنیده است. تحولات این رویارویی را باید با حساسیت پی گرفت و بیگمان پی خواهیم گرفت.

۱۲ دسامبر ۲۰۱۹

\*\*\*



سه شنبه ۱۰ دسامبر، خیزش خروشان توده ها در عراق با تظاهرات چند میلیونی خیز بلندتری برداشت که اردوی هیات حاکمه را به وحشت بیشتر و سراسیمگی خارج از انتظار انداخت. علاوه بر گسترش بیسابقه جمعیت معترضان مستقر در ساحه تحریر و پلها و میدانهای مجاور، امواج بزرگی از بپاخاستگان شهرهای وسط و جنوب عراق با عبور از دیوار نیروهای سرکوبگر، به صف عاشقان آزادی در بغداد پیوستند. سه میدان تحریر، خلانی، وثبه و سه پل احرار، شهدا و سینگ به تصرف انقلابی آنان در آمد. آن روز حرکت توده های به جان آمده و به میدان آمده در مرکز بغداد امواج انسانی بزرگ و زیبایی آفرید که به مراتب از امواج دجله بزرگتر، بلندتر و زیباتر بودند. پایه پای خروش و چراغان دجله، جشن توده ها در بغداد برپا بود.

رود دجله بغداد را به دو بخش جغرافیائی "کرخ" و "رصافه" تقسیم کرده است. اما امروز این تقسیم دیگر فقط جغرافیائی نیست. پس از دو ماه و نیم خیزش بزرگ نسل جوان شجاع در پیشاپیش محرومان اعماق جامعه، در دو بخش کرانه دجله، دو اردوی انقلابی و ضدانقلابی جامعه عراق مستقر شده اند. کرخ ("منطقه سبز" بغداد) در اشغال کابینه مستعفی، پارلمان رسوا و رئیس جمهور ساکن قصرالسلام صدام است. در مقابل بخش رصافه با مرکزیت انقلابی ساحه تحریر محل استقرار نیروی مردمی است که علیه مصائب نظام سرمایه داری و کارنامه تیره هیات حاکمه قومی مذهبی سراپا فاسد و دزد و جنایتکار عراق به میدان آمده اند. به این ترتیب امروز میتوان گفت که در دو سوی دجله "قدرت دوگانه" برقرار است. در یک سو اردوی هیات حاکمه و نیروهای سرکوبگر آن از جیش و حشد شعبی و ... در سوی مقابل، اردوی کارگران و نسل جوان و زنان و محرومان جامعه، هر یک علیه آن دیگری در تلاش تعیین تکلیف این موقعیت دوگانه در راستای مصالح و منافع طبقاتی جداگانه خود است.

در حالی که خیزش توده های معترض عراق با موج بلند تظاهرات سه شنبه وارد لحظه حساس و جدیدی شده است، ارگانه های راس هیات حاکمه: رئیس جمهور برهم صالح، نخست وزیر مستعفی عادل عبدالمهدی و رئیس پارلمان محمد طلبوسی دست اندر کار تاکتیک زدوبند زیر میز برای "توافق" بر کسی برای نشستن بر کرسی نخست وزیر و همزمان در تدارک انتخابات زود هنگام هستند و هدف اصلی و واقعی شان وقت خریدن برای ادامه حاکمیت خود و امید بستن به خسته کردن توده های معترض است. در حالی که آخرین بیانیه فعالان میدان تحریر به همه آن تلاشهای رسوا پاسخ رد قطعی داده و هدف خیزش جاری را ساقط کردن کل هیات حاکمه قومی مذهبی کنونی اعلام کرده است.

با گذشت دو هفته از استعفای عبدالمهدی هنوز کمترین نشانه از توافق حاکمان بر عنصر جایگزین او دیده نمیشود. پنجشنبه ۱۲ دسامبر هادی



## اعتصاب میلیونی در فرانسه

### سرود انترناسیونال و شب مارکس در خیابان ها!

آذر ماجدی

ناامنی زندگی اقتصادی و اجتماعی، بی خانمانی، فساد و ارتشاء، و سرکوب پلیسی در محور این مبارزات قرار دارد.

اهمیت اعتصاب عمومی هفته پیش علاوه بر سازماندهی وسیع و میلیونی اردوی کار، عروج طبقه کارگر بر راس جنبش توده‌ای جلیقه زردها بود که گرایش‌های مختلفی از جمله ناسیونالیست‌های افراطی را در خود حمل می‌کند. روز ۵ دسامبر این طبقه کارگر بود که مبارزه را رهبری می‌کرد. رهبری سندیکالیستی - رفرمیستی کارگری مانع از آن نشد که رادیکالیسم کارگری در این اعتراض ابراز وجود کند. خواندن سرود انترناسیونال در مارش ۵ دسامبر در خیابان های پاریس و حمل پستر مارکس از بروزات آن بود.

سیستم بازنشستگی در فرانسه چند بخشی است. دولت مکرون با زیرکی و عوامفریبی اعلام کرده است که قصد دارد سیستم بازنشستگی را به یک نظام جهانشمول بدل کند که کلیه کارکنان از یک حقوق یکسان برخوردار باشند. در نگاه اول این استدلال بنظر مترقی می‌رسد؛ اما مساله اینجاست که این جهانشمولی بمعنای ارتقاء حقوق همه به بالاترین رده نیست، بلکه عملاً به تقلیل آن به پایین ترین است. اعتصاب عمومی که در روز ۵ دسامبر آغاز شد هنوز در بخش های مختلف، از جمله ترانسپورت ادامه دارد. رانندگان کامیون نیز همچنان در اعتصاب هستند. روز دوشنبه اعتصابیون در اتوبان اصلی بین استان ایل دو فرانس و پاریس یک راهبندان ۶۰۰ کیلومتری بوجود آوردند. کارگران موفق شده اند عملاً بخش وسیعی از اقتصاد را مختل سازند.

دولت مکرون از بخشی از رفرم پیشنهادی خویش عقب نشینی کرده است؛ اما این عقب نشینی از نظر کارگران ناکافی است. طبقه کارگر و جنبش چپ و سوسیالیستی در فرانسه با اتکاء به سنت انقلاب کبیر فرانسه دولت بورژوازی را به مصاف طلبیده اند. آنچه در اعتراضات وسیع و میلیتانت جلیقه زردها و اکنون اعتصاب عمومی کارگری کمبودش به روشنی احساس می‌شود، وجود یک حزب کمونیستی کارگری رادیکال و انقلابی است. جنبش رفرمیستی کارگری که در حزب کمونیست فرانسه و سندیکای وابسته به آن ت.ژ.ت. بروز سازمانی و متشکل می‌یابد بارها ناتوانی خویش از ایجاد یک جامعه آزاد و برابر و مرفه برای کارگر و زحمتکش را به ثبوت رسانده است. فداکاری های بی‌شمار کارگران و زحمتکشان در بهترین حالت به برخی اصلاحات ناچیز منجر شده است. پاسخ رهایی بخش را پوستر مارکس و سرود انترناسیونال نشان می‌دهند.

\*\*\*

هفته گذشته روز ۵ دسامبر به فراخوان سه سندیکا، از جمله ت.ژ.ت. حدود یک میلیون نفر در فرانسه علیه رفرم بازنشستگی دولت مکرون به خیابان‌ها آمدند. اعتراضات وسیع و رادیکال در سراسر فرانسه شکل گرفت. این اعتصاب و اعتراض در چند دهه گذشته در فرانسه بی سابقه بوده است. کارگران بخش های مختلف، از جمله ترانسپورت، معلمین، پرستارها، کارکنان آتش نشانی، رانندگان کامیون و دانش آموزان و دانشجویان در این اعتراضات گسترده شرکت داشتند.

چند سال پیش اتحادیه اروپا تصویب کرد که سن بازنشستگی در سراسر اروپا باید به سن هفتاد سالگی افزایش و حقوق بازنشستگی تا حد امکان کاهش یابد. این از جمله تغییراتی است که بورژوازی اروپا طی چند دهه اخیر برای زدودن کلیه رفرم های جامعه رفاه در دستور گذاشته است. در دهه پیش بدنبال بحران عمیق سرمایه داری، دول اروپایی سیاست ریاضت کشی را با اجرا درآورده اند؛ بنا بر توازن قوای طبقاتی سریعتر یا کندتر، شدیدتر یا آرام تر تک تک رفرم هایی که نتیجه چند دهه مبارزه طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی بود را پس گرفته اند و فقر و ناامنی وسیعی را بر زندگی مردم کارگر و زحمتکش تحمیل کرده اند.

گفته می‌شود که فرانسه از نظر حقوق مردم کارگر و زحمتکش بالاترین استاندارد را در اروپا داراست. قانون بازنشستگی در فرانسه از نظر کارگر و زحمتکش بهترین قانون موجود است. دولت سارکوزی حدود ۸ سال پیش اولین تلاش برای تغییر این قانون را در دستور گذاشت. مبارزه ای وسیع علیه این قانون سازمان داده شد. اتحادیه های کارگری علیه این قانون اعتراض و اعتصاب کردند. اما سن بازنشستگی از شصت به شصت و دو افزایش یافت.

مکرون از زمان به قدرت رسیدن یورش وسیعی علیه کلیه قوانین و شرایط باقیمانده از جامعه رفاه را سازمان داده است. بیش از یک سال است که یک جنبش توده ای بنام "جلیقه زردها" در فرانسه شکل گرفته است. هر شنبه شهرهای بزرگ فرانسه، بویژه پاریس محل اعتراضات این جریان و زد و خورد و جنگ و گریز معترضین با پلیس است. دو هفته پیش جلیقه زردها سالگرد جنبش شان را با یک اعتراض وسیع جشن گرفتند. طبق آمار رسمی تاکنون دوازده نفر بدست پلیس کشته شده اند؛ تعداد زیادی شدیداً مجروح شده اند؛ کوری یک چشم یکی از جراحاتی است که تعداد زیادی از آن آسیب دیده‌اند. دهها نفر نیز بازداشت و زندانی شده اند. جنبش جلیقه زردها تصویر و فضای جامعه فرانسه را بکلی تغییر داده و قطبی کرده است. اعتراض علیه فقر،

**یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!**



## در باره قطعنامه اوضاع سیاسی

مصوب کنگره نهم حزب

گفتگو با جمال کمانگر و سیاوش دانشور

سند اوضاع سیاسی رئوس خط مشی تاکتیکی حزب حکمتیست را در قبال تحولات کنونی ایران ترسیم کرده است و نوید دوره انقلابی که قدرت در ایران دست بدست خواهد شد، میدهد.

**کمونیس‌ت هفتگی:** ارزیابی سند از اوضاع آبانماه و بحران جمهوری اسلامی چیست، حزب اوضاع را چگونه میبیند و چه دورنمایی را برای جامعه مطرح میکند؟

**سیاوش دانشور:** آبانماه ۹۸ ادامه دیماه ۹۶ در شکلی تکامل یافته‌تر، آنتاگونیست‌تر و میلیتانت‌تر بود. در دیماه اگر با کل حاکمیت سیاسی تعیین تکلیف شد و مانور و بازی در زمین بالائی‌ها بطور کلی منسوخ اعلام شد، در آبانماه این نگرش دست به عمل انقلابی برای تعیین تکلیف زد. ارزیابی ما از بحران جمهوری اسلامی و تشدید ناگزیر آن مبتنی بر واقعیات اجتماعی و غیر قابل انکار جامعه ایران و همینطور واقعیات اقتصاد سیاسی سرمایه داری در ایران است. این بحران راه حل درون حکومتی ندارد، تمهیدات سیاسی و اقتصادی متعدد رژیم اسلامی صرفاً به وصله و پینه کردن یک موجودیت در هم شکسته اقتصادی میماند که قادر به پاسخ دادن به حداقل نیازهای انباشت سرمایه و سازماندهی اقتصادی جامعه را ندارد. همزمان بنا به تناقضاتی که با جامعه ایران و جامعه پیرامون دارد قادر نیست در یک بازار جهانی بمثابه یک حکومت سرمایه داری با وظایف مشخص در تقسیم کار جهانی ادغام شود. لذا نتایج بحران و ورشکستگی اقتصادی و تنگناهای دیگری که این اوضاع را تشدید میکند، مرتباً به تلافی‌های سیاسی و اجتماعی مانند رشته نبردها و قیامهای آبانماه ترجمه میشود. اینکه در هر تلافی سیاسی و اجتماعی کدام عامل یا عوامل بمثابه چاشنی انفجار عمل میکنند و به بروز بحران امکان میدهند، میتواند متفاوت و قابل بررسی دقیق باشد. اما تشدید بحران و بروزات انفجاری آن امری است که رژیم اسلامی راه فراری از آن ندارد.

ما نه فقط خیزش انقلابی قریب الوقوع ۹۶ را کمتر از دوماه قبل از وقع آن در کنگره هشتم حزب و برآمد توده‌ای و طوفان میلیونی آبانماه ۹۸ را قبل از کنگره نهم حزب ترسیم کرده بودیم، بلکه تصریح کردیم که بحران جمهوری اسلامی وارد یکدوره تعیین تکلیف هم از بالا و هم از پائین شده است. بعبارت دیگر سرنگونی خواهی به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل شده و هر پدیده‌ای باید خود را با این شاخص تعریف کند. این یعنی روندهای سیاسی و مسلط سابق از اصلاح طلبی تا دیپلماسی و سیاستهای جنگ طلبانه، بعنوان سیاستهای کمپ ارتجاع و سرمایه داری، در ایندوره تنها در چهارچوب تقابل با سرنگونی انقلابی معنا پیدا میکنند و از هر سو تلاشی برای حفظ بنیادهای نظم و رژیم سیاسی کهنه کنونی هستند.

حزب کمونیس‌ت کارگری- حکمتیست اوضاع ایران را بشدت بی ثبات و آبستن تلافی‌های تند سیاسی و اجتماعی مابین جامعه و در

**کمونیس‌ت هفتگی:** کنگره نهم حزب قطعنامه ای با عنوان؛ "دورنمای تحولات سیاسی، الزامات سرنگونی انقلابی و رئوس وظایف حزب حکمتیست" تصویب کرد. چهارچوب عمومی این سند چیست و چه میگوید؟

**جمال کمانگر:** کنگره نهم حزب حکمتیست در دل قیام عمومی آبانماه ۹۸ برگزار شد و مهر آن خیزش انقلابی مردم را بر خود دارد. ما بدرست به استقبال طوفان وسیع اعتراضات مردمی علیه جمهوری اسلامی رفته بودیم. برخلاف ژورنالیست نوکر و نان به نرخ روز خور و میدیای بستر اصلی که اعتراضات مردم را فقط به گرانی بنزین تقلیل داده بودند، ما گفتیم که قیام آبان ماه ریشه در نفرت ۴۰ ساله مردم علیه رژیم اسلامی است. ما همواره براین اصل تاکید داشته ایم که جمهوری اسلامی راه حل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای عبور از بحرانهای مرکبی که دامنگیرش شده است ندارد. این رژیم با بحران زاده شد و با بحران ادامه حیات داده است. بعد از چهاردهه با سرکوب و ارعاب جامعه توانسته است سرپا بماند. رژیم با این ساختار سیاسی-ایدئولوژیک کنونی اش هیچ گشایش اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در چشم اندازش نیست. "تعامل سیاسی با نیای بیرون" نیز بدون پائین کشیدن پرچم ایدئولوژیک تروریسم اسلامی غیرممکن است. امروز تئوریسین‌های راست خصوصی سازی در ایران، در وحشت اینکه "همه چیز دارد از دست می‌رود"، میگویند خصوصی سازی هم راحل نیست. لذا نه فقط بحثهایی مثل "متعارف شدن" سرمایه‌داری تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بشدت مهجور بنظر میرسد بلکه نفس حفظ حاکمیت سرمایه در ایران با همان پلاتفرم بازار آزاد دیگر اطمینان خاطر به هیچ بخش بورژوازی نمیدهد. همه اینها یعنی سرمایه داری ایران بیش از هر زمان در بُن‌بستِ لاعلاج و بحران فروپاشی قرار دارد.

ما به استقبال تعمیق مبارزه طبقاتی و انتقاد سوسیالیستی از وضع موجود رفته ایم. خطر سوسیالیسم دیگر به یک داده عمومی برای نیروهای مختلف اپوزیسیون و پوزیسیون تبدیل شده است. ۱۶ آذر ماه امسال که روز دانشجو محسوب میشود صحت محبوبیت راه حل سوسیالیستی برای اقتصاد و سیاست و فرهنگ در جامعه ایران را به نمایش گذاشت.

زمانی که بحث مذاکرات دول غربی با جمهوری اسلامی بر سر مسئله هسته ای در جریان بود و منجر به معاهده "برجام" شد، خیلی ها فکر میکردند که دیگر اوضاع رژیم به سمت ثبات و شکوفایی اقتصادی می‌رود! جریان ما جزو معدود جریانات اپوزیسیون بود که اعلام کرد که "صورت مسئله اصلی مردم سرنگونی است". دیماه 96 نشان داد که نه تنها سرنگونی مسئله اصلی مردم است بلکه به بستر اصلی سیاست در ایران تبدیل شده است.

دادن جامعه به سمت انقلاب کارگری است!

## در باره قطعنامه اوضاع سیاسی

مصوب کنگره نهم حزب ...

**کمونیسیت هفتگی:** سند اوضاع سیاسی بر تلاش مشترک بورژوازی در حکومت و اپوزیسیون علیه کمونیسیم سخن میگوید. اولاً سطح این تبلیغات چقدر جدی اند و کدام اهداف سیاسی را دنبال میکنند؟ ثانیاً دلیل این قطبی شدن چیست؟ آیا این قطبی شدن به ضرر جنبش همگانی برای سرنگونی نیست؟ آیا بنفع رژیم نیست؟

**سیاوش دانشور:** ضدیت با کمونیسیم شناسنامه بورژوازی است و در این میان جناح‌های مختلف تنها روش‌هایشان در این ضدیت شاید فرق داشته باشند. در دوره بحرانهای حاد سیاسی و اجتماعی، بیشتر از هر زمان فرجه‌ای برای ابراز وجود رادیکالیسم کارگری و توده‌ای فراهم میشود. مضافاً اینکه در ایران کمونیسیم محبوب است و برای مثال همان سرنوشتی را ندارد که در بلوک شرق داشته است. کمونیسیم در ایران سنت دارد، تاریخ دارد، نفوذ فکری و سیاسی دارد و برخلاف دوره انقلاب ۵۷ از شفافیت فکری و سیاسی و برنامه‌ای و تحزب برخوردار است. مهمتر، یک نیروی اجتماعی قوی در ایران میتواند پشت کمونیسیم بسیج شود. اینها دلهره‌های واقعی حکومت کمونیسیت‌گش و جریان‌های راست در اپوزیسیون است. در مورد سطح و جدیت این تلاشها، باید گفت در تبلیغات راست و رسانه‌های دولتی و حکومتی، آنتی کمونیسیم یک خط ثابت تبلیغاتی است. هر نوع اعلام مطلوبیت راه حل سیاسی و تاکتیکی و اقتصادی بورژوازی با تهاجمی به کمونیسیم البته با نام "دیکتاتوری" همراه است. نه فقط حکومتها و رسانه‌ها بلکه میان جریان‌هایی که نسبت سیاسی و طبقاتی با آنها دارند، طیف متلونی را میتوان ببینید که به اشکال مختلف علیه کمونیسیم و راه‌های رادیکال تبلیغات سوء میکنند و در این زمینه ابدأ لکننت زبان ندارند. هدف مشترک این طیف، با هر تفاوتی، دفاع از دوام و بقای سرمایه داری است. این انعکاسی وارونه از قدرت مادی و پتانسیل اجتماعی کمونیسیم است. این بخشی از جدال راست و چپ در جامعه است. این یعنی قطبی شدن سیاست از موضع طبقات متمایز اجتماعی. ما از این قطبی شدن استقبال میکنیم و آنرا بسود مبارزه آزادیخواهانه جامعه ایران برای سرنگونی انقلابی و برپائی یک جامعه آزاد و خوشبخت میدانیم.

دلیل این قطبی شدن عدم سعه صدر نیروهای اپوزیسیون و یا جنبش‌های اجتماعی مختلف نیست، بلکه بسادگی نتیجه تشدید تقابل منافع طبقاتی متخاصم است. این قطبی شدن نتیجه یک خودآگاهی ضد سرمایه داری و بخشا سوسیالیستی در میان جنبشهای آزادیخواه و ضد تبعیض است. این قطبی شدن نه فقط به ضرر "جنبش همگانی برای سرنگونی" نیست بلکه پلاریزه شدن این جنبش و شفاف شدن افق‌های مختلف برای سرنگونی را منعکس میکند. جامعه همراه با قطبی شدن برسر مشخصات عام جنبش انقلابی برای سرنگونی و تمایزش از راه‌های دست راستی، به خود بعنوان یک جنبش هویت میدهد، در جامعه افقش را تسری میدهد، اختلافات تاکتیکی و استراتژیکی را در قلمرو سیاست برجسته میکند و امکان انتخاب بین چپ و راست را مهیا میکند. در مورد استفاده رژیم از این قطبی شدن راست و چپ در اپوزیسیون، من نظرم برعکس است. این بحث اگر از یک موضع اولترا پوپولیستی و همه باهمی طرحی نشود، نشان یک خوشباوری سیاسی و کوری طبقاتی است. حکومت اسلامی رفتنی است و نفع رژیم فقط در بقاء تحت هر شرایطی است. سیاست‌هایی که درهای زیادی را برای سازش و مماشات با بخشی از حکومت باز گذاشته‌اند و یا خواهان تغییر با حفظ ارکانهای اساسی نظام

ثقل آن مردم کارگر و زحمتکش با حکومت اسلامی میداند. ایران وارد یکدوره تند کشمکش سیاسی و طبقاتی شده است که سرنگونی جمهوری اسلامی تنها یک پرده آنست. در بالا و در سطح دولتها و همینطور نیروهای اپوزیسیون بورژوائی نیز تلاشهای متعددی در مواجهه با این اوضاع بحرانی در جریان است. در پائین مبارزه با حکومت و جریان‌های دست راستی هر روز مکان روشنتری پیدا میکند و سنگرهای جدیدی فتح میکند. حزب حکمتیست تلاش میکند و خود را موظف میداند که در این صیفندی در صف اول مبارزه و جنگ انقلابی با جمهوری اسلامی برای سرنگونی، تقویت استقلال سیاسی و تشکیلاتی صفوف طبقه کارگر و اردوی انقلابیون از صفوف و راه‌های دست راستی باشد. جامعه میتواند هشتاد میلیون ایده و نظر داشته باشد اما تنها دو راه حل اجتماعی و طبقاتی میتواند مطرح باشد؛ راه حل چپ یا راه حل راست؟ سرنگونی با پرچم چپ یا سرنگونی با پرچم راست؟ جامعه ایران همزمان با تلاش برای سرنگونی وارد ایجاد یک قطب بندی و تمایز میان چپ و راست در مقیاس اجتماعی شده است. سرنگونی رژیم اسلامی در دستور جامعه است و این روند میتواند پیچیده و ایستگاههای مختلفی داشته باشد. حزب حکمتیست همراه با جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در این روند برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی مبارزه میکند اما خود را برای دخالت انقلابی در هر مرحله و ایستگاه این کشمکش حاد آماده میکند.

**کمونیسیت هفتگی:** قطعنامه در باره جریان‌ها و جناح‌های درون حکومتی، رابطه جامعه با حکومت و آنتاگونیزه تر شدن آن اشاره دارد. موقعیت حکومت اسلامی در این بحران چگونه است و تاکید قطعنامه بر خصمانه تر شدن رابطه جامعه با حکومت، چه سیاستی را دنبال میکند؟

**جمال کمانگر:** رژیم اسلامی از بدو سر کار آمدن با بحران مشروعیت نزد مردم روبرو بوده است. جناح بندی‌های حکومتی تماماً حول بقاء و گرفتن مشروعیت نسبی از مردم برای ادامه حیات رژیم دور زده است. خود سران رژیم از اصلاح طلب و اصول گرا اذعان میکنند که "کف گیر به ته دیگ خورده است" و دیگر نمی‌توانند با کارت اصلاح طلبی و یا اصول گرایی و اعتدالیون حمایت مردم را بدست بیاورند. شاخص مهم عبور مردم از جناح بندی‌های رژیم اسلامی طرح شعار "اصلاح طلب اصول گرا، دیگه تموم ماجرا" در جریان خیز انقلابی دیماه ۹۶ بود.

اگر رژیم تا دیروز میتوانست با فریب و نیرنگ بخشی از جامعه را به دعوی جناحی سرگرم کند در آبان ماه ۹۸ مردم ایران اجتماعاً به دو نیروی سرنگونی طلب و طرفدار رژیم تبدیل شده اند. دیگر قرار نیست آشتی بین این دو نیرو که هر روز بر تعداد کسانی که نفرت بالقوه شان را به فعل درمی‌آورند، بوجود بیاید. سیاست ما نفی کلیت رژیم بوده است و همین سیاست الان به خودآگاهی بخش وسیعی از مردم ایران تبدیل شده است. مردم برای سرنگونی رژیم خیز برداشته اند. سنگری که ما برایش می‌جنگیدیم مردم آنرا اشغال کرده اند! سیاست ما سوق



## در باره قطعنامه اوضاع سیاسی

مصوب کنگره نهم حزب ...

هستند، به جمهوری اسلامی بیشترین خدمت را میکنند. سیاست اینها در خدمت رژیم است و نه بسیج جامعه حول پرچم انقلابی و چپ برای سرنگونی کل بنیادهای فقر و استبداد و تبعیض.

**کمونیسیت هفتگی:** قطعنامه از دور جدید خیزش های انقلابی و توده ای برای سرنگونی سخن میگوید. تصویرتان از روند اوضاع کشمکش با جمهوری اسلامی چیست؟

**جمال کمانگر:** ما با جامعه ی ۸۰ میلیونی روبرو هستیم که ۴۸ میلیون نفرشان بعد از انقلاب ۵۷ بدینا آمده اند. خود رژیم میگوید این جمعیت میلیونی جمهوری اسلامی را نمیخواهند! شکاف نسلی در ایران به یک واقعیت انکارناپذیر تبدیل شده است. تمام آمارهای رژیم حاکی از رکود اقتصادی و گسترش فقر و فلاکت در جامعه است. در حال حاضر بالغ بر ۱۹ میلیون نفر در حاشیه شهرها با کمترین امکانات زندگی میکنند و هر روز بر تعدادشان افزوده میشوند. اینها نیروی مازاد کار در ایران نیستند! این بخش وسیعی از طبقه کارگر است که به دلیل گرانی و پایین بودن سطح دستمزدها به حاشیه شهرها رانده شده است. هیچ امیدی برای بهبود وضع زندگی بخش وسیعی از مردم در ایران وجود ندارد. جوانان بیکار و طبقه کارگر زیر فقر ننگه داشته شده تا ابد نمی توانند در این گتوهای بزرگ زندگی کنند! می بینید در چند صد متری آنها، مثنی سرمایه دار انگل زندگی آنچنانی دارند برایشان قابل تحمل نخواهد بود. مردم در جریان قیام آبان ماه دریافته اند که مسئله "امنیت و سوریه ای شدن" که رژیم مانند چماقی بر سر مردم میزد محلی از اعراب ندارد و خود رژیم باعث ناآمنی و کشتار مردم بی دفاع است.

با در نظر گرفتن فاکتورهای بالا رژیم پشم و پيله اش ریخته است! بعضی ها، ترم شورش "گرسنگان" و یا "پا برهنگان" را بکار میبرند اما من با آن توافق ندارم! ما با شورش و قیام عمومی طبقه کارگر بیکار و کم درآمد در آینده نزدیک روبرو خواهیم شد. به نظر من جامعه ایران بزودی وارد یک دوران انقلابی خواهد شد!

**کمونیسیت هفتگی:** قطعنامه در بندهائی به "خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب حکمتیست در این دوران پُر تحول" پرداخته است. حزب در این چهارچوب چه تاکیاداتی دارد و چه سیاستی را دنبال میکند؟

**سیاوش دانشور:** تاکیادات قطعنامه مبانی سیاست حزب را در مورد مسائل کلان ایندوره بیان میکند. جدال برای سرنگونی جمهوری اسلامی از هر سو، جنگی است برسر قدرت سیاسی و دولت بعدی ایران. در دوره انقلابی مسائل و سوالات اساساً با دوره قبل و بعد خود فرق دارند. در ایندوران هر جنبشی، چه راست چه چپ، برای پیروزی تلاش میکند. قطعنامه تاکید میکند که "ما برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی مبارزه میکنیم" و لذا باید سیاستها و مبانی تاکتیکی ضرور و متناسب برای این پیروزی کارگری و سوسیالیستی را فراهم کنیم.

اولین و کلیدی ترین سیاست ما "تاکید مُشدّد بر تامین استقلال سیاسی و

تشکیلاتی طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی از جنبشهای طبقات دارا و صفوف بورژوازی است". فرض ما اینست و واقعیت هم همین است که جنبش های طبقات متمایز و متخاصم اجتماعی، هر دو، باهم وارد این تحولات میشوند، هر دو در سرنگونی جمهوری اسلامی ذینفند. و هر کدام تلاش دارد جامعه با افق، رهبری، خط مشی سیاسی و تاکتیکی، شعارها و سنتهای مبارزاتی آن جنبش همراه شود. جدائی صفوف جنبش طبقه کارگر و کمونیسیم در ایران از صفوف جنبشهای راست و بورژوائی، جدائی اهداف، آرمانها، نیروی اجتماعی، راه حل، شعارها، سنت ها و سنگرهای مبارزه است. یک پیروزی چپ بر جمهوری اسلامی تنها میتواند با هژمونیک شدن افق و سیاست صف مستقل کارگر و کمونیسیم در جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی قابل تصور باشد. وانگهی ما صرفاً دشمن مشترک نداریم، جدال قدرت هم داریم. طبقه کارگر و اردوی رادیکال جامعه قدرت مافوق مردم نمیخواهد، میخواهد به چهارچوبی جدید از مناسبات اجتماعی وارد شود. شوراها و سازمان شورائی بعنوان مثال امروز از الگوهای مورد توجه جامعه است. به این اعتبار ما و طبقه کارگر و اردوی انقلابی، در متن کشمکش با جمهوری اسلامی برای سرنگونی آن، برای تغییر مُعاده قدرت مُستمرأ تلاش میکنیم. تغییر معادله قدرت بین رژیم و جامعه، تعبیر معادله قدرت بین چپ و راست، تغییر معادله قدرت با اتکا به اشکال مختلفی از استقرار دوافکتوی یک قدرت آلترناتیو. سیاست ما اینست هر جا که بتوانیم قدرت خود را با اتکا به شوراها، بریگادهای کارگری، نیروی نظامی و توده ای خود مُستقر کنیم. برای بدل شدن به یک قدرت آلترناتیو باید برسر افق و هژمونی انقلابی و سوسیالیستی در مقیاس جامعه و دست بالا پیدا کردن آن جنگید، یعنی ترسیم روشن و اجتماعی منافع و اهداف متمایز کارگر و سرمایه دار، یعنی تلاش برای بسیج جامعه زیر پرچم کارگری و سوسیالیستی، یعنی جنگ بی امان با پوپولیسیم و اپورتونیسیم و "همه باهم" که نهایتاً طبقه کارگر را به زیر پرچم بورژوازی میخوانند. این دوره ای است که بورژوازی در هزار لباس علیه جنبش انقلابی سنگر می بندد تا در جایی متوقفش کند. از نظر ما شکستن این نقطه سازشها یک وظیفه تعطیلناپذیر و تخطیناپذیر حزب ما و هر کمونیسیت انقلابی است. قرار نیست نیروهای مختلف باهم رژیم را سرنگون کنند و بعد سهم دموکراسی و انتخابات بگیرند، قرار است سرنگونی و معنای آن به روایت و پرچم چپ جامعه صورت گیرد.

یک مسئله دیگر سیاست ما در برخورد به دولتهای متعددی است که در دوره انقلابی میتوانند موقتاً سرکار بیایند. برای ما باز نیست که در دولتی بورژوائی یا ائتلافی شرکت کنیم. شرایط های ویژه و چندگانگی قدرت را باید مشخصاً جواب داد. اما ما سیاست خلع ید از بورژوازی را داریم لذا هیچ دولت بورژوائی را برسمیت نمی شناسیم، به هیچ نوع بند و بست سیاسی از بالای سر کارگران و مردم تن نمیدهیم. لازم به ذکر است که جایی ممکن است بین نیروهای مختلفی در شرایط ویژه ای که هر دو نیاز دارند، مذاکره یا سازشی صورت گیرد. صحبت برسر اینست که این سازش ناچاری و از سر مسائل مشخص است چون طرفین زورشان همینقدر میرسد و باید بعنوان سازشی اعلام شود. اما تئوری باز بودن نسبت به مشروعیت دولتهای بورژوائی در دوره انقلابی و چشمک زدن به شرکت در آن، سیاست ناسیونالیسم چپ میتواند باشد اما سیاست کمونیسیتی کارگری نیست. سیاست ما سرنگونی انقلابی و درهم کوبیدن کل ماشین دولتی بورژوائی بعنوان اهرمهای قهر طبقه حاکم است. تلاش برای بسیج انقلابیون و سوسیالیستها و جناح چپ جامعه حول سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و تقویت یک راه حل کارگری

## در باره قطعنامه اوضاع سیاسی

مصوب کنگره نهم حزب ...

سوسیالیستی است. طبقه کارگر بدون درهم کوبیدن کُل نهادها و قدرت بورژوازی نمیتوانند بمثابه یک طبقه آزاد شود و برای آزادی بعنوان یک طبقه لازم است کُل جامعه را از قید بردگی مُزدی و مالکیت خصوصی و استثمار اقتصادی آزاد کند.

**گمونیست هفتگی:** قطعنامه تاکیدات مختلفی بر استقلال طبقه کارگر و تقابل با راه حل‌های بورژوائی دارد. این تاکیدات چه اهمیتی دارند و چرا ضروری اند؟

**جمال کمانگر:** جنبش‌های اجتماعی سنت دار اپوزیسیون راست در ایران برای قیضه کردن قدرت بعد از جمهوری اسلامی تلاش میکنند. تاکنون دهها کنفرانس و نشست تشکیل داده اند. دهها طرح و منشور و غیره تدوین کرده اند. مدتی رفتارندوم چی بودند امروز قفتوس و فرشگرد و شورای گذار و فردا حتما طرح دیگری از آستین بیرون می آورند. متاسفانه تاریخ نشان داده است که طبقه کارگر در غیاب یک حزب گمونیستی- کارگری به سیاهی لشکر جنبشهای دیگر تبدیل شده است.

ما اینرا پنهان نمیکنیم که برای یک پیروزی کارگری و سوسیالیستی همین امروز مبارزه میکنیم! یک شرط اساسی این پیروزی تاکید چند باره بر تامین استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر از جنبش‌های طبقاتی دارا و صفوف بورژوازی است. در ایندوره بیش از هر زمان ضروری است که جنبش طبقه کارگر و حزب گمونیستی‌اش بمثابه یک قدرت آلترناتیو در مقابل آلترناتیوهای بورژوائی ظاهر شود. جنگ برسر افق و هژمونی انقلابی و سوسیالیستی در مقیاس جامعه یک هدف اساسی ماست و در این مسیر جنگ بی‌امان با پوپولیسیم و اپورتونیسیم، با سازشکاری و "همه باهم" را وظیفه حزب و پیشروان طبقه کارگر و گمونیست‌ها میدانیم.

**گمونیست هفتگی:** سند اوضاع سیاسی یک پرچم جلو جامعه قرار میدهد: یک رهائی همه جانبه سوسیالیستی! برای تحقق این رهائی همه جانبه حزب چه نقشه ای دارد و فراخوانش به طبقه کارگر و گمونیست‌ها چیست؟

**سیاوش دانشور:** یک رهائی همه جانبه سوسیالیستی یعنی انقلابی زیر و رو کننده در نظام طبقاتی و استثمارگر سرمایه داری. در جدال مشخص سیاسی امروز برای سرنگونی جمهوری اسلامی، یعنی در پایان دوره انقلابی یک دولت سوسیالیستی در ایران سر کار باشد. هویت و فلسفه وجودی حزب مبارزه برای تحقق این رهائی سوسیالیستی از موضع اجتماعی طبقه کارگر و انتقاد گمونیستی به سرمایه داری است. در عین حال خود حزب باید متناسب با دوران انقلابی متحول شود. قدم اول نقشه ما بالا بردن آمادگی حزب و رهبری آن برای ورود همه جانبه به این تحولات و تامین نیازهای این مبارزه است. در سطح عمومی تر، سیاست و نقشه حزب حضور فعال در صف اول مبارزه برای سرنگونی انقلابی، سازماندهی ارگانهای انقلابی و عمل مستقیم توده‌ای، انواع گاردهای حفاظتی، پاسخ دادن به نیازهای مبارزه انقلابی، بمیدان آوردن جنبش گمونیستی کارگری و شورائی بعنوان یک آلترناتیو مطلوب در مقیاس جامعه، و مبارزه برای پیروزی آنست. برای تحقق این رهائی سوسیالیستی در گام اول باید جمهوری اسلامی را با نبردهای قهرمانانه و انقلابی سرنگون کنیم، حاصل سرنگونی انقلابی علی القاعده دولتی انقلابی و متشکل از قیام کنندگان است که وظیفه اش

گمونیستی، یک لایه دیگر این سیاست است. ما فقط سیاست و برنامه راست را افشا نمیکنیم بلکه در قلمروهای نبرد سیاسی و طبقاتی، سیاست آلترناتیومان را طرح میکنیم و برای پیشروی و پیروزی آن می‌جنگیم. اپوزیسیون راست برای مستقر شدن بعنوان دولت بعدی ایران، باید بطور عینی و در زمین واقعی بتواند بر جنبش طبقه ما فائق شود.

یک مسئله دیگر که امروز گوشه ای از هر طرح سیاسی جریانات راست است، چهارچوبهای دولتهای انتقالی در این دوران پرتحول است. تشکیل "مجلس موسسان" یا "مجلس ملی"، انتخاب وکلای مردم و نوشتن قانون اساسی، نهایتاً انتخابات باصطلاح آزاد سناریوی مثلاً دمکراتیک بخشهای مختلف جریانات راست ایران است. ما با کل این پروسه مخالفیم و آنرا علیه اهداف خود و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر میدانیم. این جنبش واقعی مشکلی عمامه سر خامنه ای نیست که حالا با یک کراوات بجای آن حل شود. بحث برسر نوع قدرت و نوع مشارکت شهروندان در جامعه است. ما نظام شورائی می‌خواهیم و آنرا متمدنانه ترین و پیشروترین و دمکراتیک ترین شکل دخالت انسانها در سرنوشت خودشان میدانیم. لذا سیاست ما در مقابل دولتهای انتقالی رنگارنگ بورژوازی برای تشکیل "مجلس موسسان" و "مجلس ملی" و نوشتن قانون اساسی، بر تداوم انقلاب برای خلعید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی و تشکیل دولت و حاکمیت شورائی متکی است. ما پارلمان و مجلس ملی نمی‌خواهیم، شورا می‌خواهیم، پارلمان را از محیطی الیستی به جامعه بسط میدهیم.

و بالاخره یک مسئله کلیدی برای هر پراتیسین گمونیست در دوره انقلابی، "انقلاب بیوقفه" بعنوان یک مفهوم تعیین کننده در دوره انقلابی است. ما ممکن است در هر ایستگاهی برای مدتی متوقف شویم و مجبور شویم به نیازهای آن مسئله مشخص جواب دهیم. اما یک هدف بلافصل پیروزی بر جمهوری اسلامی با یک پرچم چپ است. هدف از سرنگونی انقلابی بکف آوردن قدرت توسط قیام کنندگان و تشکیل یک دولت انقلابی است. این دولت که خصلتاً و بنا به ماهیتش گذرا و وظیفه اش در ایندوران، دولت موقت انقلابی نامیده میشود، شاید تماماً دولت شوراهای کارگران و بخشهای دیگر کارگری نباشد اما تنها دولتی است که ضامن پیشروی و پیروزی آن، اجرای اقدامات فوری طبقه کارگر برای درهم شکستن قوه قهریه و ماشین سرکوب دولت و بورکراسی و نهادها و قوانین بورژوائی و اعلام چهارچوبها و قوانین متناسب با دوره انقلابی است. دولت اینجا و مشخصاً در ایندوران به مهمترین ابزار اعمال قدرت و گسترش مبارزه طبقاتی تبدیل میشود و هر کسی که دستش به قدرت دولتی میرسد، میتواند از موضع دولت قانون وضع و اجرا کند. اما در موقعیت اپوزیسیون باید آنرا مطالبه کند و یا خواهان لغو قانونی باشد. دولت انقلابی و جنبش شورائی در ایندوران ابزار بسیج میلیونی طبقه کارگر برای پیشروی و تداوم انقلاب و سازماندهی انقلاب کارگری است. پیروزی طبقه کارگر و گمونیسم در این تحولات صرفاً سرنگونی رژیم اسلامی و فتح دولت نیست بلکه انقلاب علیه بنیادهای اقتصادی نظام سرمایه داری و پایه گذاری یک نظم نوین

دانشجویان شعار دادند: "دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "نان، کار، آزادی، اداره شورایی"! در دانشگاه هنر دانشجویان یک چیدمان مبتکرانه درست کردند: یک گور سمبلیک و در کنار آن یک تکه پارچه سفید که بر آن با رنگ قرمز نوشته شده بود "بیاد کشته شدگان بی تدفین"؛ اشاره به صدها نفری که در خیابان‌ها با شلیک گلوله‌ها کشته شدند و اجسادشان رپوده شد و هنوز تحویل خانواده‌هایشان داده نشده و آن جوان‌هایی که زیر شکنجه جان باختند و خانواده‌ها در بی اطلاعی از سرنوشت جگرگوشه‌هایشان پریشان حالند. دانشجویان علوم پزشکی تبریز در آمفی تئاتر شایان مهر اجتماع کردند. دانشجویان بنر بزرگی را در مقابل سن نصب کرده بودند که بر روی آن نوشته شده بود: "نه پادگان نه بنگاه، درود بر دانشگاه!"

در دانشگاه گلستان و دانشکده حقوق و علامه دانشجویان تریبون‌های آزاد سازمان دادند. در دانشگاه چمران دانشجویان در تجمع شان بیانیه ای قرائت کردند. بنرهای بسیاری در این تجمعات به اهتزاز درآمده بود؛ رنگ سرخ فضا را به زیبایی آراسته بود. بر روی این بنرها اعلام همبستگی بین المللی با مردم عراق، لبنان، فرانسه و شیلی، محکومیت تبعیض جنسیتی و حجاب اسلامی، فراخوان به مقاومت، و محکومیت زندان و فقر به چشم می‌خورد: از جمله "تبعیض جنسیتی، محکوم است، محکوم است"، "بیگاری، بیکاری، حجاب زن اجباری"، "علینژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد"، "دانشگاه پول گردان، زحمتکش‌شان در زندان" و "از نیازهای ماهشهر تا مرزهای کردستان، از شیراز تا تهران، از سیستان و بلوچستان تا تبریز."

۱۶ آذر ۹۸، علیرغم تمام تلاش‌ها و توطئه‌های رژیم اسلامی با شکوه، رادیکال و میلیتانت برگزار شد. در این روز فصل دیگری در مبارزات انقلابی و سرنوشت طلبانه مردم، طبقه کارگر، زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب زده شد. ۱۶ آذر ۹۸ یک نقطه عطف در خیزش انقلابی مردم، بویژه پس از خیزش میلیونی آبانماه و سرکوب خونین آن بود. دانشجویان انقلابی ثابت کردند که هراس از سرکوب، زندان و شکنجه و کشتار از جامعه رخت بر بسته؛ نشان دادند که این آخرین سلاح این نظام ننگین و جنایتکار کارآیی خود را از دست داده است. نوید دادند که مرگ این رژیم نزدیک است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به دانشجویان انقلابی درود می‌فرستد و دست تمام شما عزیزان را به گرمی می‌فشارد. حزب را در کنار خود بدانید؛ مبارزمان و آرمان‌مان مشترک است. سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی و برپائی یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی هدف همه ماست. بامید آروز که این رژیم را به زیر کشیم و بر ویرانه‌های آن یک دنیای بهتر، یک جامعه آزاد، برابر و مرفه بسازیم.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

۱۶ آذر ۱۳۹۸ - ۷ دسامبر ۲۰۱۹

**اعلامیه حزب حکمتیست در باره ۱۶ آذر انقلابی در دانشگاه‌های ایران**

**"سرکوب پایان راه نیست، مقاومت زندگی است!"**

**"فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم!"**

بنا به اخباری که تاکنون به ما رسیده است، امروز ۱۶ آذر، علیرغم فضای شدید امنیتی و دستگیری‌های گسترده دانشجویان قبل از ۱۶ آذر، دانشجویان دانشگاه تهران، امیرکبیر، پلی تکنیک، علامه طباطبائی، تربیت مدرس، هنر تهران، چمران اهواز، گلستان، دانشگاه مازندران، نوشیروانی بابل و علوم پزشکی تبریز دست به راهپیمایی و اجتماع اعتراضی زدند. فضای حاکم بر تجمعات خشم دانشجویان از رژیم اسلامی، بویژه کشتار و سرکوب آبانماه را بروشنی بیان می‌کرد. دانشجویان مبارز و انقلابی به تهدیدات و توطئه‌های رژیم برای ممانعت از اجتماعات ۱۶ آذر وقعی ننهاندند و با صدای رسا و خشمگین علیه سرکوب، کشتار، فقر، تبعیض، اختلاس، فساد، تبعیض جنسیتی و حجاب اسلامی شعار دادند. شعارها و نوشته‌ها بر بنرها روشن و بدون ابهام خواست آنها برای آزادی زندانیان سیاسی، ایجاد یک جامعه آزاد، برابر و مرفه و برای اداره شورایی جامعه را منعکس می‌کرد.

رژیم سرکوب اسلامی در هفته گذشته در هراس از اجتماعات انقلابی دانشجویی یک فضای سرکوب و بگیر و ببند را حاکم کرد؛ از "کشف لانه‌های جاسوسی" که قصد "اشوب در ۱۶ آذر" را داشتند سخن گفت؛ اما دانشجویان آزادیخواه و انقلابی ثابت کردند که سرکوب و کشتار دیگر اثر ندارد؛ نشان دادند که ترس مردم ریخته است؛ و عملاً اعلام کردند که دیگر این رژیم است که از خیزش انقلابی مردم در هراس است. امروز "فرزندان انقلابی کارگران" در عمل شعاری که مردم وسیعاً در تظاهرات و اعتراضات سر می‌دهند را به اثبات رساندند: "بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم!"

نیروهای سرکوب از اول صبح وسیعاً در حوالی دانشگاه تهران مستقر شده بودند؛ علیرغم این تمهیدات، دانشجویان از صبح به محوطه دانشگاه آمدند، راهپیمایی کردند و شعارهای پرشور و انقلابی سر دادند: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، کارگر، دانشجو اتحاد، اتحاد!، "دانشجو آگاه است با کارگر همراه است"، "خیابونا خون شده، آزادی قربانی شده"، "مرگ، کشتار، گرانی، مردم شدن قربانی"، "جواب ما تفنگ نیست، اینهمه کشته کم نیست"، "سرکوب پایان راه نیست، مقاومت زندگی است"، "از هفت تپه تا تهران، زحمتکش‌شان در زندان"، "قضاییه جلاخان، مقدمتان خون باران"، "متحد، متحد، مقاومت می‌کنیم" و "ایران فرانسه، لبنان، سرکوب و غارت بسه!؛ فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم!"

از جمله شعارهای دانشجویان در دانشگاه نوشیروانی بابل "سفره‌ها من غارت شد، آبان ماه خونین شد"، "آبان ادامه دارد، حتی اگر روز و شب بر ما گلوله بارد"، "از تهران تا بغداد، فقر ستم استبداد!" شعارهای دیگری نیز در تجمعات فریاد زده شد: "ستاره در پرونده، دانشجویان در بنده"، "استادامون ذلیل‌اند، ذلتو می‌پذیرند"، "استاد، اساتید! حرف بزنید، نترسید!" در دانشگاه هنر تهران

اعلامیه شماره ۲ حزب کمونیست در باره اجتماعات ۱۶ آذر

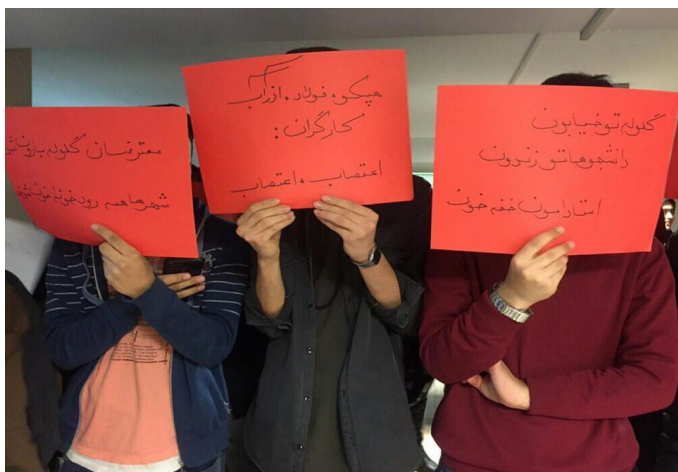
**۱۶ آذر شکوهمند و انقلابی!****"هپکو، فولاد، آذرآب، کارگران اعتصاب، اعتصاب"**

۱۶ آذر ۹۸ یک روز تاریخی و شکوهمند در تاریخ مبارزات مردم آزادیخواه و برابری طلب ایران است. عبور از سدهای سرکوب و امنیتی، شعارهای رادیکال و انقلابی، محکوم کردن ستم و سرکوب، فقر و نابرابری و کشتار آبانماه از جلوه‌های مهم این اعتراض دانشجویی است. بعلاوه، دانشجویان آزادیخواه و انقلابی ابتکارات زیبایی چه در گرامیداشت جانبختگان و چه در استیضاح و افشای حاکمان سازمان دادند؛ از چیدمان گور سمبلیک در دانشگاه هنر تهران تا قرار دادن کیسه های ۵ کیلویی سیب زمینی بجای باصطلاح نمایندگان مجلس بر صندلی‌های خالی در دانشگاه خلیج فارس بوشهر؛ همه جا فضایی پر شور و پر هیجان، انقلابی و کوبنده حاکم بود.

امروز ۱۷ آذر اجتماعات روز دانشجو در تعدادی از دانشگاه‌ها ادامه یافت. دانشجویان علامه طباطبایی در گردهمایی در سالن دانشکده علوم اجتماعی کشتار و بازداشت‌های آبانماه و تداوم ستم و استثمار را محکوم کردند. دانشجویان علامه از جمله شعارهای؛ "هپکو، فولاد، آذرآب، کارگران اعتصاب، اعتصاب"، "گلوله تو خیابون، دانشجوها تو زندون، استادامون خفه خون"، "معترضان گلوله بارون شد، شهرها همه رودخونه خون شد"، "قوانین ضد زن، بهره کشی و ستم"، "چه شبلی چه ایران، سرکوب زحمتکشان"، "از تهران تا بغداد، فقر ستم استبداد" را در دست داشتند و میزی همراه با شمع بیاد آبانماه خونین برپا کرده بودند. همچنین دختران دانشگاه علامه طباطبایی در خوابگاه علیه تبعیض شعار نویسی کردند. دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابلسر نیز تجمع دیگری سازمان دادند.

دیروز ۱۶ آذر دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس از جمله با شعارهای: "توپ تانک شکنجه دیگر اثر ندارد، به مادرم بگویند دیگر پسر ندارد!"، "معترض مجازی نمیخوایم نمیخوایم"، "مجلس فرمایشی نمیخوایم نمیخوایم!"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد!"، "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد!"، "از اهواز تا تبریز، فقر، فساد و تبعیض!"، "نه شاه میخوایم نه مزدور، بسه دیگه حرف زور!"، "کشور و غرق خون کرد، بنزینو هم گرون کرد!"، "دانشجو کارگر اتحاد اتحاد!"، "فقر فساد گرانی، دانشجوی زندانی!"، "ایستاده‌ایم در سنگر، دانشجو و کارگر!"، "استاد کجاست؟ تو خلسه، سکوت کرده نشسته!"، "کلاس درس خالیه، دانشجو زندانی!"، "چه ایران چه بغداد، چقد باید جسد داد؟"، "چه ایران چه غزه، کشتن مردم بسه!" روز دانشجو را گرامی داشتند.

شعارهای دفاع از زندانی‌های سیاسی، کارگران، معلمان و دانشجویان در بند؛ دفاع از اداره شورایی جامعه؛ علیه ستم و استثمار طبقاتی سرمایه داری به روشنی خصلت آزادیبخش و برابری طلبانه ۱۶ آذر را به نمایش گذاشت. دانشجویان انقلابی دانشگاه مازندران در بیانیه خود ظلم



طبقاتی و راست گرایان و جنبش ناسیونالیستی را محکوم کردند و بر هویت آزادیخواهانه و برابری طلبانه ۱۶ آذر تاکید نمودند. دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه نیز روز ۱۲ آذر با تکرار شعار کارگران فولاد "استثمار، بیکاری، منطبق سرمایه داری" بر همین خصلت پای فشردند. دانشجویان دانشگاه کاشان نیز ۱۶ آذر را گرامی داشتند.

۱۶ آذر ۹۸ در ضمن صف آرای صریح و روشن نیروهای چپ و سوسیالیست در تقابل با جریان‌های راست در قامت اصلاح طلبان حکومتی و رژیم سابق‌ها را به نمایش گذاشت. سنت ۱۶ آذر از سرکوب و کشتار دانشجویان چپ و سوسیالیست توسط رژیم پهلوی پایه گذاری شد. لذا تلاش نیروهای راست برای حضور در این روز مضحک و عمیقاً تدافعی است. اینجاست که شعار دانشجویان دانشگاه تهران، "مجاهد، پهلوی، دو دشمن آزادی" و "علینژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد" جوابی به تمام نیروهای راست و "رژیم چنجی" است که با مدد رسانه های دولت‌های غربی در تلاشند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند و خیزش عظیم مردم کارگر و زحمتکش، آزادیخواه و برابری طلب را به بیراهه بکشانند.

پیام های تبریک اسماعیل بخشی، میثم آل مهدی و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به دانشجویان انقلابی، همبستگی طبقاتی و قطب بندی عمیق طبقاتی در جامعه را به نمایش گذاشت.

۱۶ آذر امسال دفاع از خیزش آبانماه و حمایت قاطع از آن، اعلام تعلق به صف و افق سوسیالیستی طبقه کارگر در جامعه، تاکید بر همسرنوشتی کارگران و اردوی آزادیخواهی در کشورهای منطقه و جهان و برافراشتن پرچم نبرد علیه سرمایه داری بود. درود بر دانشجویان انقلابی!

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**  
**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**  
**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۷ آذر ۱۳۹۸ - ۸ دسامبر ۲۰۱۹

دانشجوی شجاع و انقلابی در دانشگاه پیام نور و دانشجویان در دانشگاه علامه در استیضاح قالیباف تنها دو نمونه از خشم انقلابی و شجاعت قهرمانانه این جوانان آزادیخواه است.

تجمعات ۱۶ آذر نشان داد که جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است؛ قادر نیست در مقابل مردم مقاومت کند؛ سلاح سرکوب دیگر برندگیش را از دست داده است. هراس از جامعه رخت بر بسته است؛ اگر کسی هراسان است، آن رژیم اسلامی است. واقعا که این شعار چه گویای فضای حاکم در جامعه در شرایط کنونی است: "بترسید! بترسید! ما همه با هم هستیم!"

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به دانشجویان انقلابی درود میفرستد و خود را در کنار شما انسان‌های انقلابی و آزادیخواه می‌داند. با شما و در کنار یکدیگر این رژیم سرکوب و جنایت، فقر و فلاکت و تبعیض و نابرابری را به زیر خواهیم کشید. با هم یک دنیای بهتر خواهیم ساخت که در آن اثری از آثار فقر، نابرابری، ستم طبقاتی، تبعیض و سرکوب نباشد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۹ آذر ۱۳۹۸ - ۱۰ دسامبر ۲۰۱۹

## در باره قطعنامه اوضاع سیاسی

مصوب کنگره نهم حزب ...

اجرای معنا و مضمون سرنگونی انقلابی از زاویه سیاست و منافع طبقه کارگر است. دولتی که "انقلاب علیه هر آنچه که کهنه است" را به تمام جوارح جامعه می‌برد، سازمان و تشکل انقلابی طبقه کارگر و محرومان را گسترش میدهد و قدرت طبقه کارگر را ضامن اجرای سیاستها و قوانین کارگری میکند. طبقه کارگر و حزب سیاسی‌اش باید در تحولات جاری بعنوان رهبر جنبش سرنگونی انقلابی و رهبر آزادی جامعه حضور یابد.

هیچ زمانی مثل امروز، شرایط برای یک پیروزی سوسیالیستی در ایران فراهم نبوده است. این پیروزی با پایه اجتماعی قدرتمندی که دارد عملی است. مسئله برسر رفتن برای این پیروزی و جنگ برسر پیروزی راه حل کمونیستی طبقه کارگر است. فراخوان ما به کمونیست ها و پیشروان طبقه کارگر اینست که رفقا اوضاع را دریابیم! قدرت و حقانیت تاریخی خود را ببینیم! در قامتی که جامعه از جنبش طبقه کارگر دارد ظاهر شویم، بعنوان رهبر آزادی سوسیالیستی جامعه!

\*\*\*

اعلامیه شماره ۳ حزب حکمتیست در باره اجتماعات ۱۶ آذر

"از هفت تپه تا پاریس ای کارگر بپاخیز!"

"کارگران جهان متحد شوید!"

امروز سه شنبه ۱۹ آذر، دانشجویان دانشگاه تهران تجمع اعتراضی دیگری سازمان دادند؛ دانشجویان آزادیخواه و انقلابی بدفاع از حقوق کارگران و حق تشکل مستقل شان شعار دادند: "گرفتن حق تمام کارگرا با تشکل مستقل سندیکا" و "از هفت تپه تا پاریس ای کارگر بپاخیز!" در گوشه دیگری از تجمع باندرولهای سرخ با شعارهای؛ "کارگران جهان متحد شوید!" و "مرگ بر امپریالیسم، درود بر سوسیالیسم!" توسط دانشجویان برافراشته شده بود.

بعلاوه، دانشجویان دانشگاه سراسری ارومیه نیز در یک تجمع علیه بیکاری و فقر و گرانی اعتراض کردند. همینطور دیروز ۱۸ آذر، دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در اجتماعشان به احترام جانبختگان آبانماه یک دقیقه سکوت اعلام کردند. یکی از دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل در تریبون آذشان از جمله اعلام کرد که "رای دادن به این دولت و شرکت در انتخابات اشتباه بوده است".

در تجمع ۱۶ آذر دانشگاه پیام نور بوشهر، عبدالحمید خدزی "نماینده" گناوه و بوشهر در مجلس شرکت کرده و روی سن نشسته بود؛ یکی از دانشجویان با شجاعت کامل پشت تریبون رفت و این جنایتکار و آخوندها را به تمسخر و ریشخند گرفت. این دانشجو زمانی که پشت تریبون رفت، نیروهای امنیتی تلاش به پایین کشیدنش داشتند، وی مقاومت کرد و دانشجویان با کف زدن و تشویق عملا نیروهای حراست را به عقب نشینی وادار کردند. او نامه ای را قرائت کرد: "این جوانان ما چرا اینطور شده اند؟ چرا این عمامه به سرها و تیغ بصورت کشیده ها دارند این بلا را سرملکت می آورند؟ ... جوانان غیور ما این عمامه بسرها را لازم نیست خیلی کتک بزنند؛ فقط عمامه هایشان را بردارید و مقداری کتک بزنید!" قرائت این نامه با تشویق و کف زدن های دانشجویان روبرو شد. او سپس رو به خدزی کرد و تلاش نمود که این باصطلاح نماینده را استیضاح کند ولی نیروی حراست او را به پایین بردند.

روز ۱۶ آذر قالیباف به تجمع ۱۶ آذر دانشگاه علامه رفت تا سخنرانی کند؛ یک دانشجو از او درباره املاک نجومی سوال کرد و بسیج به او حمله ور شد و با ضرب و شتم از سالن خارج کرد. در بخش پرسش و پاسخ، دانشجویان سوالاتی درباره املاک نجومی قالیباف، برنامه اقتصادی مورد ادعایش و عیسی شریفی سوالاتی مطرح کردند. گردانندگان جلسه که از نیروی بسیج بودند با خشونت میکروفون را از دست دانشجویان خارج کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. این نشست با درگیری فیزیکی مختل شد.

این صحنه های ابراز خشم و شجاعت کاملا نشان دهنده وضعیت مفلوک و زار جمهوری اسلامی است. رودرروی مقامات به آنها فحش و ناسزا می گویند؛ ریشخند و تمسخر می کنند؛ اما اینها قادر نیستند لام تا کام سخن بگویند؛ مثل مجسمه می نشینند و نگاه می کنند. اقدام این

## سرمایه داری یا نئولیبرالیسم

آذر ماجدی



مواجه شد؛ بحرانی که به بحران افزایش بهای نفت معروف شد؛ مبارزات طبقه کارگر در اروپا اوج گرفت. در بریتانیا بطور نمونه، ما شاهد اعتصابات وسیع کارگری بودیم. جنبش ضد استعماری تحت نام سوسیالیسم در جنوب آفریقا، در آنگولا، موزامبیک و زیمبابوه یا روزیای سابق شکل گرفت و در اواخر

همین دهه دو انقلاب، یکی در ایران و یکی در نیکاراگوئه که موفق شدند نظام های حاکم دست نشانده غرب را سرنگون کنند. این شرایط بورژوازی جهانی را برای یورش خشن تر به طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی ترغیب و تجهیز کرد.

در ۱۹۷۹ مارگارت تاچر در بریتانیا بقدرت رسید. و در اوایل دهه ۸۰ ریگان در آمریکا به ریاست جمهوری رسید. تاچر و ریگان دو رهبر مهم جناح راست بورژوازی اند که نقش تعیین کننده ای در نبرد با طبقه کارگر، جنبش کمونیستی و جنبش ترید یونیونیستی (سندیکالیستی) دارند؛ بعلاوه در همین دوره سرمایه داری دولتی شوروی با بحران های فلج کننده دست و پنجه نرم می کرد. دهه ۸۰ دوره ای مهم در مبارزه طبقاتی بورژوازی علیه طبقه کارگر محسوب می شود. حملات دولت تاچر به طبقه کارگر عملاً اتحادیه های کارگری را عقیم کرد؛ شکست دادن اتحادیه معدنچیان در اواسط دهه ۸۰ تیر خلاصی به اتحادیه های کارگری بود که با قوانین ضد سندیکایی و ضد کارگری مهر و موم شد. در پایان این دهه شوروی سقوط کرد و مرگ سرمایه داری دولتی که تحت نام سوسیالیسم فعالیت می کرد را اعلام نمود.

پایان این دوره عملاً آنطور که ایدئولوگ های بورژوازی کوشیدند در بوق کنند "پایان سوسیالیسم نبود" بلکه آغاز مرگ کامل جامعه رفاه و سوسیال دموکراسی بود. یورش همه جانبه بورژوازی اروپا به رفاه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که مجموعاً به جامعه رفاه معروف شده بود شدت گرفت. با آغاز قرن بیست و یک بورژوازی موفقیت بزرگ خود را جشن گرفت. بدنبال شکست جامعه رفاه و با شکل گیری یک انقلاب تکنولوژیک بورژوازی امکان یافت تا سرمایه را به دورافتاده ترین نقاط جهان گسترش دهد؛ آنچه به گلوبالیزاسیون معروف شد. و در این شرایط است که "بردگی نوین" توسعه یافت. در قرن بیست و یک، بیش از یک قرن پس از لغو رسمی برده داری در اروپا و آمریکا اکنون در جهان حدود چهل میلیون برده و در میان آنها تعداد زیادی کودک وجود دارد.

لفظ نوین گمراه کننده است؛ هم در رابطه با نئولیبرالیسم و هم برده داری؛ زیرا اگر در ابعاد تاریخی به دنیا نگاه کنیم، جامعه رفاه عملاً زیرنویس کوتاهی به تاریخ سرمایه داری است. جایگاه واقعی اقتصادی - سیاسی این دوره با جایگاهی که رفرمیسم و جنبش رفرمیستی و چپ غیرکارگری می کوشد به آن الصاق کند، خوانایی ندارد. آکادمیسین ها این شرایط را نئولیبرالیسم خوانند. جامعه رفاه مجموعاً حدود سه دهه در بخشی از جهان حاکم بود. سرمایه داری بیش از سه قرن است که متولد شده. سه دهه از سه قرن در بخشی از جهان تحت حاکمیت سرمایه؛ بورژوازی در پاسخ به ملزومات سیاسی - طبقاتی تعدیلاتی بر استثمار خشن و رقابت عنان گسیخته برای کسب سود هر چه

پلاکاردی در مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه تهران به یک سلسله مباحث درون جنبش چپ دامن زده است. برخی بخاطر استفاده از این لفظ بشدت به سازماندهندگان این تظاهرات تاخته اند؛ برخی در پاسخ به این تاخت و تاز به موضع دفاع از این شعار برخاسته اند. قصد ما اینجا نه اینست و نه آن. قصد توضیح و تدقیق در این مقوله است. بنظر می رسد که سازماندهندگان تظاهرات ۱۶ آذر در تلاش برای اعلام یک همبستگی بین المللی سیاسی با بپاخاستگان معترض در سراسر جهان، شعاری که در فرانسه داده شده است را عیناً نقل کرده اند؛ علت هر چه هست باید این همبستگی بین المللی با طبقه کارگر و زحمتکشان در اروپا، خاورمیانه و آمریکای لاتین را ارج گذاشت؛ این همبستگی بیانگر روشنگری و ترقی خواهی طبقاتی سازماندهندگان ۱۶ آذر شکوهمند امسال است. همبستگی طبقاتی بین المللی یک خصلت مهم و پایه ای جنبش چپ و مارکسیستی است. اما تدقیق شعارها و مواضع و نقد اشتباهات تئوریک و سیاسی نیز یک خصلت مهم جنبش کمونیستی و مارکسیستی است.

### اعتراض به نئولیبرالیسم درست یا انحرافی؟

اعتراض به نئولیبرالیسم بخودی خود یک شعار انحرافی نیست. مساله اینجاست که از زاویه طبقه کارگر و مارکسیسم اعتراض ما صرفاً به نئولیبرالیسم نیست؛ به سرمایه داری است. زیرا نئولیبرالیسم شکلی از نظام سرمایه داری است. سرمایه داری باصطلاح "بازار آزاد"، سرمایه داری "لجام گسیخته" و بدون هیچ موازین و قوانین محدود کننده؛ سرمایه داری عنان گسیخته. بجز دوره کوتاهی از پایان جنگ دوم جهانی تا حدود دهه ۹۰ میلادی در کشورهای غربی، بویژه اروپا، سرمایه داری در همین شکلی که اکنون به نئولیبرالیسم معروف شده حکومت می کرده است. سرمایه داری خصوصی، بدون هیچ موازین و کنترل قانونی و سیاسی؛ همان سرمایه داری که انگلس در کتاب ارزشمند خود "وضعیت طبقه کارگر در انگلستان" توصیف می کند و مارکس از فاکت های آن برای نوشتن کتاب سرمایه استفاده می کند.

مبارزات طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی در قرن نوزدهم و بیست و بویژه انقلاب اکتبر در روسیه، بورژوازی در کشورهای غربی را وادار کرد که برای جلوگیری از انقلاب کارگری تدابیری بیاندیشد. خسارات و صدمات مبارزات گسترده طبقه کارگر بیشتر از تصویب و اعمال برخی قوانین و موازین محدود کننده بر استثمار عنان گسیخته سرمایه بود. لذا سوسیال دموکراسی بعنوان جنبشی سیاسی در تقابل با کمونیسم عروج کرد. پس از جنگ جهانی دوم آنچه به جامعه رفاه معروف شد متولد گردید؛ کینز اقتصاددان بورژوایی بعنوان طراح این سیستم شناخته می شود. تلاش شد که نشان داده شود سرمایه و سرمایه داری در چنین شرایطی بهتر رشد می کند؛ جامعه رفاه محیط مناسبتر و مساعدتری برای توسعه نظام سرمایه داری معرفی شد. دوره جنگ سرد مصادف است با دوران جامعه رفاه.

در دهه ۷۰ میلادی سرمایه داری با یکی از بحران های ادواریش

می کند و در عین حال همیشه حرف آخر خود را اول می زند: مبارزه با سرمایه داری و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی تنها راه خلاصی میلیون ها انسان از بختکی است که سرمایه داری بر دنیا تحمیل کرده است. ما خواهان رفرم هستیم؛ اما با رفرمیسم، بعنوان یک جنبش سیاسی-اجتماعی مبارزه می کنیم. رفرمیسم مانعی جدی در مقابل انقلابیگری طبقه کارگر و مبارزه برای واژگونی سرمایه داری، مالکیت خصوصی و کار مزدی است. لذا برای ما شکی وجود ندارد که رفرم های جامعه رفاه برای طبقه کارگر، مردم و جامعه شرایط زیستی بسیار مناسب تری است؛ اما ما افق مان را به مبارزه برای احیای جامعه رفاه، یعنی مبارزه علیه نئولیبرالیسم تقلیل نمی دهیم. در عین حال آگاهی که در پروسه مبارزه برای سوسیالیسم، بورژوازی به عقب نشینی و سازش مجبور می شود که حاصل آن رفرم هایی از نوع جامعه رفاه است. ما از این رفرم ها استقبال می کنیم. از قضا کمونیسم کارگری بر این نظر است که هر چه شرایط زندگی طبقه کارگر بهتر و مرفه تر باشد، مبارزه برای سوسیالیسم بهتر پیش خواهد رفت. ما هیچگاه طرفدار این تز عقب مانده پوپولیستی که هر چه فقر و گرسنگی بیشتر شرایط انقلاب مساعد تر نبوده ایم.

از موضوع اصلی دور نشویم. کمونیست های انقلابی کارگری و مارکسیست ها باید درک روشنی از نظام سرمایه داری و کارکرد آن، از شرایط و تاریخ مبارزه طبقاتی داشته باشند. جامعه ایران اکنون در یک دوره بسیار حساس، خطیر و تعیین کننده قرار دارد. از اینرو احاطه به این مسائل دارای اهمیتی صد چندان می شود. موضع ما باید روشن و صریح باشد: مبارزه علیه سرمایه داری در هر شکلی، چه خصوصی و باصطلاح بازار آزادی، چه دولتی؛ هیچگاه نباید بر خصومت و دشمنی عمیق ما با سرمایه و نظام سرمایه داری خدشه ای وارد شود.

لازم است که در پایان بر یک نکته سیاسی نیز تاکید گذاریم. مهاجمین مخالف نئولیبرالیسم در هفته گذشته لزوماً از این زاویه به تهاجم دست نزدند؛ حساب های سیاسی دیگری را تحت لوای "مبارزه تئوریک" یا "رادیکالیسم و رفرمیسم" پی گرفته اند. ۱۶ آذر شکوهمند و انقلابی امسال فقط خاری به چشم جمهوری اسلامی و اپوزیسیون دست راستی رژیم چنجی نبود؛ بخشی از جنبشی که بیش از دو دهه تحت پرچم اصلاح طلبی حکومتی فعالیت کرده و از رژیم اسلامی دفاع نموده است، اکنون که شرایط بسیار رادیکالیزه شده و رژیم اسلامی در یک قدمی سرنگونی قرار گرفته است، به سنگر "سوسیالیسم" و "ضد امپریالیسم" پناه برده است و ضدیت اش با کمونیسم کارگری انقلابی را در این لفاظی ها می پوشاند.

\*\*\*

## سرمایه داری یا نئولیبرالیسم ...

بیشتر را متحمل شد. و سپس به اصل خود بازگشت کرد. از آنجا که سرمایه داری قرن نوزده با لیبرالیسم توصیف و معرفی می شد؛ آکادمیسین ها سرمایه داری پسا دوره رفاه را نئولیبرالیسم خواندند.

چپ غیرکارگری بورژوازی، گرایش رفرمیستی - سندیکالیستی طبقه کارگر هدف حمله و اعتراض خود را نه سرمایه داری، بلکه نئولیبرالیسم قرار دادند. از اینرو است که شعار "سرنگون باد نئولیبرالیسم" یک شعار رفرمیستی است. هدف این جریان نه واژگونی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم؛ نه الغای مالکیت خصوصی و کار مزدی؛ نه حذف جامعه طبقاتی؛ بلکه جرح و تعدیل نظام سرمایه داری است. این جنبش بیش از هر چیز از نوستالژی جامعه رفاه که عملاً پس از پایان جنگ سرد و سقوط سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم یک اتوپی بیش نیست، رنج می برد.

تئوری و تاریخ بما نشان داده است که رفرم در سرمایه داری حتی اگر به زور مبارزات وسیع و فداکاری های بیشمار طبقه کارگر متحقق شود ناپایدار است. بورژوازی یک آن از مبارزه برای ایجاد مساعد ترین شرایط برای استثمار و سودبری عنان گسیخته فارغ نمی شود و بمحض آنکه توازن طبقاتی مساعد شود، کلیه رفرم هایی که با چنگ و دندان توسط طبقه کارگر متحقق شده است را باز پس می گیرد. سوسیال دموکراسی در کوران جنگ سرد متولد شد و با پایان آن عمرش بسر رسید.

اکنون که مبارزه علیه نظام فقر و فلاکت، استثمار خشن و نابرابری سرمایه داری در ابعاد گسترده، در پهنه جهان از خاورمیانه تا اروپا و از آمریکای شمالی و جنوبی تا آفریقا شکل گرفته است، بهترین و مساعدترین شرایط برای سرنگونی سرمایه داری در سراسر جهان ایجاد شده است. مبارزه با رفرمیسم یکی از ملزومات مبارزه طبقاتی برای سرنگونی سرمایه داری است.

اینجاست که این حکم اصلی و مهم کمونیسم کارگری، یعنی رابطه میان رفرم و انقلاب اهمیت بسیار می یابد و باید مورد توجه کمونیست های انقلابی کارگری قرار گیرد. کمونیسم کارگری همواره برای کوچکترین اصلاحات در زندگی طبقه کارگر و مردم زحمتکش مبارزه



حضور فعالین حزب و  
انقلابیون و مخالفین  
جمهوری اسلامی در  
دادگاه حمید نوری  
دادیار جنایتکار  
تابستان ۶۷

## خاوران، نمونه هالوکاست اسلامی هیچ جنایتی بی پاسخ نمی ماند!

پردل زارع



یعنی رژیم اسلامی، به جرم محارب و "ضد انقلاب" بودن، در دادگاههای چند دقیقه ای به مرگ محکوم کرد. بدون شک دهه شصت یک دهه مهم در تاریخ ایران بود که بقا و حیاط رژیم اسلامی ایران بستگی به جنگ با عراق و سرکوب مخالفین داخلی داشت. در دادگاه ها و زندانها هیچ عدالتی وجود نداشت و هدف فقط کشتن مخالفان داخلی برای بقا بود،

سال شصت و هفت یکی از خونبارترین و تلخ ترین سالهایی است که هیچگاه از ذهن و خاطر مردم و بخصوص خانواده های جانباختگان پاک نمیشود. هنوز هم با گذشت بیش از سی سال از این جنایت خونبار سرنوشت و محل دفن هزاران زندانی برای خانواده ای زندانیان معلوم نشد و هر نوع پیگیری خانوادهها با زندان و احکام زندان روبرو میشد.

به گفته شاهدان پرونده حمید نوری یکی از دادیاران آن دوران و همکار و نزدیک ابراهیم رئیسی است، که بعد از هر اعدام با دادن شیرینی آن را جشن می گرفت و زندانیان دیگر را جدا از شکنجه جسمی، شکنجه روحی و روانی میداد و زندانیان را برای اعدام انتخاب میکرد. دستگیری و دادگاهی کردن "حمید نوری"، نوید بخش و آغازگر دادگاهی کردن تمامی جنایتکاران رژیم اسلامی ایران است که دستشان به خون جوانان مردم آلوده است. حمید نوری یکی از هزاران جنایتکاری است که در قتل عام کردن بیش از هزاران نفر از انسانهای شریف و زحمتکش نقش داشته است و باید بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه و دادگاهی شود. اما سوالی که اینجا پیش می آید این است که آیا وجود تمامی شواهد و مدارک موجود در پرونده، دولت مدافع حقوق بشر سوئد، حمید نوری را چگونه دادگاهی میکند و چه حکمی برای او در نظر میگیرد و در صورت محکوم شدن او را معاوضه میکند یا زندانی یا آزاد میکند؟

۱۲ دسامبر ۲۰۱۹

ماه گذشته خبر دستگیری "حمید نوری" یکی از دادیاران سابق قوه قضاییه ایران و شریک جنایات رژیم اسلامی در دهه شصت و یکی از بوجود آورندگان هزاران خاوران بی نام نشان در ایران، در پی شکایات یکی از جان بدربرندگان آن دوران در کشور سوئد توسط مقامات قضای کشور سوئد دستگیر و به حکم دادستانی سوئد به جرم "جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، شکنجه، و مشارکت در جرم مستمر" به مدت یک ماه تا آغاز دادگاه بازداشت شد و روز گذشته ۱۱ دسامبر در دادگاهی چند ساعتی حکم بازداشت این جنایت کار توسط قضای دادگاه برای یک ماه دیگر تمدید شد.

تابستان سال ۱۳۶۷ با دستور خمینی رهبر جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی ایران، چهار نفر از جلادانش با نام های مرتضی اشراقی، ابراهیم ریسی، مصطفی پور محمدی و حسینعلی نیری، در یک پروژه قتل عام زندانیان سیاسی، هزاران زندانی چپ و کمونیست و مخالف رژیم اسلامی را در زندانهای ایران اعدام کردند و شبانه در محل های پرت و دور افتاده از شهرها در گورهای دسته جمعی دفن میکردند. و اینگونه در اوج خفقان و سرکوب در جامعه هزاران مبارز راه آزادی را به وحشی ترین شیوه به قتل رساندند و هر گوشه ایران خاوران شد. قتل عام زندانیان سیاسی در دهه شصت بزرگترین و وحشیانه ترین قتل عام و جنایتی است که رژیم اسلامی ایران در طول حیات ننگینش انجام داده است که حتی با محاکمه و مجازات عاملان این جنایت هم نمیتوان آن لکه ننگ را بر پیشانی باعث و بانیان و مجریان تاریخ رژیم اسلامی پاک کرد. رژیم اسلامی نسلی از انسانهای مبارز، کسانی که آزادی و برابری هدف و آرزویشان بود را بجرم نه گفتن به سارقان انقلاب ۵۷

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!